

ارزیابی احتمال فعال سازی



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان | مردادماه ۱۴۰۴



BOOK CODE: ME-BT-08

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين



در شرایط کنونی که نظم جهانی با بی‌ثباتی‌های امنیتی و اقتصادی روبه‌روست، احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه براساس قطعنامه ۲۲۳۱ ملل متحد یکی از مهم‌ترین تهدیدهای در حال شکل‌گیری علیه کشورمان به‌شمار می‌رود. این مکانیسم می‌تواند تمامی تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران را بازگرداند که پیامدهای گسترده‌ای برای اقتصاد و تجارت خارجی کشور به‌ویژه در حوزه صادرات، مالی و زنجیره تأمین به همراه خواهد داشت.

گزارش حاضر با روش تحلیلی مبتنی بر منابع رسمی (ازجمله قطعنامه ۲۲۳۱، متن برنامه جامع اقدام مشترک، گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و منابع تجاری معتبر داخلی و بین‌المللی) و با هدف تحلیل دقیق احتمال فعال‌شدن «مکانیسم ماشه» (اسنپ‌بک) و اثرات آن بر ساختار اقتصادی ایران، به‌ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط تهیه شده و تلاش دارد اطلاعات مستند و قابل‌استفاده برای تصمیم‌گیری کلان اقتصادی در اختیار مقامات کشور قرار دهد.

چارچوب حقوقی و فرآیند فعال‌سازی مکانیسم ماشه

مکانیسم ماشه مندرج در بندهای ۱۱ و ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱ و مواد ۳۶ و ۳۷ برجام، به اعضای برجام اجازه می‌دهد در صورت ادعای نقض تعهدات ایران، تحریم‌های پیشین شورای امنیت را بدون نیاز به اجماع بازگردانند. این فرآیند شامل ارجاع ادعا به کمیسیون مشترک (۱۵ روز)، وزرای خارجه (۱۵ روز)، هیئت مشورتی (۵ روز)، و شورای امنیت (۳۰ روز) است. در صورت عدم تصویب قطعنامه ادامه تعلیق تحریم‌ها، تحریم‌های قطعنامه‌های ۱۶۹۶ تا ۱۹۲۹ (مالی، تجاری، تسلیحاتی) باز می‌گردند. گزارش آژانس (ژوئن ۲۰۲۵) از ذخایر ۹۲۴۷ کیلوگرم اورانیوم ایران (شامل ۴۰۰ کیلوگرم با غنای ۶۰٪) و محدودیت دسترسی

نظارتی، مبنای حقوقی ادعای نقض را تقویت کرده است. ایران نقض تعهدات اروپا (عدم اجرای اینستکس) را مطرح می‌کند اما این دفاع حقوقی مانع اراده سیاسی طرف‌های غربی برای فعال نمودن مکانیسم ماشه نیست.

عوامل کلیدی در فعال‌سازی مکانیسم ماشه

چهار دسته عامل کلیدی در فعال‌سازی مکانیسم ماشه به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱. عوامل سیاسی شامل مواضع تروئیکای اروپا، آمریکا، چین، روسیه و دیپلماسی قطر و عمان. این عوامل بیشترین تأثیر را به دلیل اراده سیاسی بازیگران اصلی برعهده دارند.

۲. عوامل حقوقی شامل گزارش‌های آژانس و قطعنامه ۲۲۳۱. این عوامل مبنای حقوقی، اما تحت تأثیر عوامل سیاسی است.

۳. عوامل ژئوپلیتیک شامل تنش‌های منطقه، نقش کشورهای خلیج فارس و کشورهای که منافع راهبردی در منطقه دارند.

۴. عوامل اقتصادی شامل تحریم‌ها، قیمت نفت و اقتصاد ایران که تأثیر غیرمستقیم بر فعال‌سازی ماشه دارد.

سناریوهای محتمل و پیامدها

بررسی عوامل موثر بر فعال‌سازی ماشه، ۳ سناریوی کلی را پیش‌رو قرار می‌دهد:

۱. فعال‌سازی ماشه و بازگشت تحریم‌ها، همراه با کاهش صادرات نفت، افزایش تورم، و تنش نظامی محدود

۲. تمدید ضرب‌الاجل فعال‌سازی ماشه به مدت ۳ تا ۶ ماه توسط تروئیکای اروپا و با همراهی اعضای دائم شورای امنیت

۳. فعال‌سازی ماشه با تشدید حملات نظامی، منجر به انزوا، جنگ منطقه‌ای، و اختلال شدید اقتصادی



فهرست مطالب

الف. معرفی و اهداف	۶
- الف - ۱. اهداف گزارش	۶
- الف - ۲. اهمیت موضوع	۷
- الف - ۳. روش‌شناسی و منابع	۸
ب. چارچوب حقوقی مکانیسم ماشه	۹
- ب - ۱. تاریخچه و پیشینه حقوقی	۹
- ب - ۲. مکانیسم ماشه در قطعنامه ۲۲۳۱	۹
- ب - ۳. مکانیسم ماشه در برجام	۱۰
- ب - ۴. فرآیند فعال‌سازی ماشه	۱۳
ج. بررسی فصل هفتم منشور ملل متحد	۱۶
- ج - ۱. معرفی فصل هفتم منشور	۱۶
- ج - ۲. چکیده مفاد فصل هفتم منشور	۱۶
- ج - ۳. سوابق اعمال مفاد فصل هفتم منشور	۲۱
د. عوامل محرک فعال‌سازی مکانیسم ماشه	۲۸
- د - ۱. عوامل حقوقی	۲۸
- د - ۲. عوامل سیاسی	۳۲
- د - ۳. عوامل ژئوپلیتیک	۳۵
- د - ۴. عوامل اقتصادی	۳۶
ه. سناریوهای محتمل و پیامدها	۳۹
- ه - ۱. سناریوی اول: فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌ها	۳۹
- ه - ۲. سناریوی دوم: تعویق ضرب‌الاجل فعال‌سازی مکانیسم ماشه	۴۰
- ه - ۳. سناریوی سوم: فعال‌سازی مکانیسم ماشه و تشدید تنش‌های نظامی	۴۱
و. تأثیرات فعال‌سازی مکانیسم ماشه و	۴۴
- و - ۱. تأثیرات مستقیم فعال شدن مکانیسم ماشه	۴۴
- و - ۲. تأثیرات غیرمستقیم فعال شدن مکانیسم ماشه	۴۵
ز. راهکارهای پیشنهادی	۵۰

آثار فعال‌سازی مکانیسم ماشه و راهکارهای پیشنهادی

فعال‌سازی احتمالی مکانیسم ماشه، بازگشت قطعی تحریم‌های گسترده سازمان ملل و احتمال بازگشت تحریم‌های اتحادیه اروپا را به دنبال دارد که می‌تواند ضربه‌ای به تجارت خارجی، صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی، روابط بانکی بین‌المللی، سرمایه‌گذاری خارجی و حتی جریان واردات کالاهای استراتژیک وارد کند. در نتیجه انتظار می‌رود بازار ارز دچار التهاب بیشتر شود، شاخص‌های تورم تشدید گردد، و اثرات روانی شدیدی بر فضای عمومی کشور، اعتماد بخش خصوصی و چشم‌انداز سرمایه‌گذاری داخلی بگذارد. فشارهای اجتماعی و معیشتی نیز به طور مستقیم متأثر خواهد شد.

در عین حال می‌توان از ظرفیت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای کاهش آثار منفی این اقدام بهره برد. ابزارهایی همچون دیپلماسی اقتصادی فعال، تجارت تهاتری، استفاده از پیمان‌های پولی دوجانبه، شبکه‌سازی با کشورهای هم‌سو، تقویت صادرات غیرنفتی به بازارهای همسایه، و ارتقاء تاب‌آوری ارزی از جمله راهکارهای موثر است. همچنین فعال‌سازی ظرفیت‌های حقوقی و رسانه‌ای از اولویت‌های مقابله‌ای راهبردی محسوب می‌شود.

در چارچوب این گزارش، آنچه اهمیت راهبردی دارد نه صرفاً میزان احتمال وقوع هر یک از سناریوها بلکه سطح آمادگی نهادهای مسئول، دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی برای مواجهه با پیامدهای هر سناریو است. بنابراین تمرکز اصلی باید بر ارتقای ظرفیت پیش‌نگری، چابکی در تصمیم‌گیری، و هماهنگی نهادی باشد تا در صورت وقوع هر کدام از سناریوها، از شدت آسیب‌ها کاسته و مسیرهای تاب‌آور برای ادامه فعالیت اقتصادی حفظ شود. این رویکرد پایه‌گذار سیاست‌گذاری منعطف و واقع‌گرایانه در شرایط پریسک کنونی خواهد بود.



الف. معرفی و اهداف ➤

در شرایط پیچیده و پرریسک کنونی، نظام بین‌الملل با تغییرات معنادار و فشرده‌ای در نظم امنیتی و اقتصادی روبه‌روست که پیامدهای مستقیم و غیرمستقیمی برای ج.ا. ایران و به‌ویژه ساختارهای اقتصادی و تجاری کشور به همراه دارد. ازجمله تحولات اخیر، احتمال فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» (Snapback Mechanism) بر مبنای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، یکی از جدی‌ترین سناریوهای در حال شکل‌گیری است که در صورت تحقق، می‌تواند به بازگشت تمامی تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه کشورمان منجر شود.

الف - ۱. اهداف گزارش

این گزارش با هدف ارائه تحلیلی جامع، مستند، و دقیق از احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه (اسنپ‌بک) ذیل قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل تهیه شده است. اهداف کلیدی گزارش عبارتند از:

- تحلیل تهدیدات: ارزیابی احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه و تأثیرات آن بر اقتصاد ایران، با تمرکز بر عوامل حقوقی، سیاسی، ژئوپلیتیک و اقتصادی.
- بررسی پیامدها: تحلیل سناریوهای محتمل (فعال‌سازی ماشه، مذاکره و تمدید ضرب‌الاجل، یا تشدید تنش‌های نظامی) و پیامدهای آن‌ها برای تجارت خارجی، زنجیره تأمین و پایداری اقتصادی.
- ارائه راهکارهای عملی: پیشنهاد اقدامات عملی کوتاه‌مدت برای کاهش اثرات تحریم‌های احتمالی بر بنگاه‌های کوچک و متوسط.
- حمایت از تصمیم‌گیری راهبردی: ارائه تحلیل‌های مستند به مقامات عالی برای هماهنگی سیاست‌های اقتصادی و امنیتی در سطح ملی و استانی با تأکید بر تقویت تاب‌آوری اقتصادی در برابر بحران‌های پیش‌رو.

این گزارش به‌گونه‌ای طراحی شده که اطلاعات دقیق و قابل راستی‌آزمایی را در اختیار قرار دهد تا تصمیم‌گیری‌های کلان در حوزه‌های اقتصادی، تجاری و امنیتی تسهیل شود.

الف - ۲. اهمیت موضوع

مکانیسم ماشه به‌عنوان بخشی از توافق هسته‌ای برجام (مصوب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت)، ابزاری حقوقی-سیاسی است که می‌تواند تحریم‌های گسترده سازمان ملل را علیه ایران بازگرداند. در صورت فعال شدن این تحریم‌ها، تجارت خارجی ایران، به‌ویژه صادرات نفت، محصولات پتروشیمی، فولاد، و صنایع فلزی به شدت تأثیر می‌پذیرد و نقل‌وانتقالات مالی بین‌المللی محدود می‌شود. گزارش‌های اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنای حقوقی برای ادعای نقض تعهدات ایران را تقویت کرده و تهدید تروئیکای اروپایی (بریتانیا، فرانسه، آلمان) برای فعال‌سازی ماشه تا اوت ۲۰۲۵ را جدی‌تر ساخته است.

هم‌زمان، حملات رژیم صهیونیستی و آمریکا در خردادماه جاری به تأسیسات هسته‌ای و نظامی ایران (نطنز، فوردو، اصفهان) و آتش‌بس شکننده معاقب آن، احتمال تشدید تنش‌های نظامی را افزایش داده است. این حملات که منجر به خسارات قابل توجه به زیرساخت‌های هسته‌ای و نظامی ایران شد، می‌تواند با فعال‌سازی مکانیسم ماشه، هم‌افزایی ایجاد کرده و فشارهای اقتصادی و تحریمی را تشدید کند.

استان اصفهان به‌عنوان یکی از مراکز اصلی تولید و صادرات ایران در حوزه‌های فولاد، پتروشیمی و ... در برابر این تهدیدات آسیب‌پذیر است. بنگاه‌های کوچک و متوسط، که بخش قابل توجهی از اقتصاد منطقه را تشکیل می‌دهند، با چالش‌هایی نظیر اختلال در زنجیره تأمین، افزایش هزینه‌های لجستیک و محدودیت‌های مالی مواجه خواهند شد. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان به‌عنوان نهادی کلیدی در حمایت از بخش خصوصی، مسئولیت دارد با تحلیل دقیق و ارائه راهکارهای عملی، تاب‌آوری اقتصادی را تقویت کرده و زمینه‌ساز هماهنگی با سیاست‌های ملی باشد.



الف - ۳. روش‌شناسی و منابع

این گزارش با رویکردی تحلیلی و مبتنی بر شواهد و با روش‌شناسی مشخص (به شرح ذیل) تنظیم شده است:

- تحلیل عوامل کلیدی: ارزیابی عوامل تأثیرگذار بر احتمال فعال‌سازی ماشه با وزن‌دهی مشخص.
- سناریوسازی: بررسی سه سناریوی اصلی (شامل فعال‌سازی ماشه، مذاکره و تمدید ضرب‌الاجل، فعال‌سازی ماشه و حمله نظامی) با تحلیل پیامدها.
- راهکارهای پیشنهادی: ارائه راهکارهای پیشنهادی و توصیه‌های عملی برای کاهش اثرات ناشی از فعال‌سازی مکانیسم ماشه با تأکید بر بر بنگاه‌های کوچک و متوسط.
- منابع: اسناد رسمی شامل قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل، گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، برنامه جامع اقدام مشترک، گزارش‌های تجاری مراجع داخلی و بین‌المللی و رسانه‌های معتبر داخلی و خارجی.

ب. تعریف و چارچوب حقوقی مکانیسم ماشه

ب - ۱. تاریخچه و پیشینه حقوقی

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در ۱۴ جولای ۲۰۱۵ (۲۳ تیر ۱۳۹۴) بین ایران و گروه ۵+۱ امضا شد و در ۲۰ جولای ۲۰۱۵ با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به تأیید رسید. این توافق، تعهدات هسته‌ای ایران شامل محدود کردن غنی‌سازی اورانیوم، کاهش تعداد سانتریفیوژها، و پذیرش بازرسی‌های گسترده آژانس را در ازای رفع تحریم‌های سازمان ملل، اتحادیه اروپا، و برخی تحریم‌های آمریکا تعیین کرد. قطعنامه ۲۲۳۱ ملل متحد با رأی موافق و بدون رأی مخالف، تمامی قطعنامه‌های تحریمی پیشین علیه ایران را لغو کرد اما مکانیسم ماشه را به‌عنوان ضمانت اجرایی تعهدات ایران حفظ کرد.

ب - ۲. مکانیسم ماشه در قطعنامه ۲۲۳۱

مکانیسم ماشه یا اسنپ‌بک (Snapback Mechanism) سازوکاری حقوقی-سیاسی است که در بندهای ۱۱ و ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد، مصوب ۲۰ جولای ۲۰۱۵ (۲۹ تیر ۱۳۹۴) تعریف شده است. این مکانیسم به اعضای توافق جامع اقدام مشترک (برجام) شامل پنج عضو دائم شورای امنیت (آمریکا، بریتانیا، فرانسه، روسیه، چین)، آلمان، و اتحادیه اروپا اجازه می‌دهد در صورت نقض تعهدات هسته‌ای ایران، تحریم‌های پیشین سازمان ملل را که پیش از برجام علیه ایران اعمال شده بودند، بازگردانند. این تحریم‌ها شامل محدودیت‌های مالی، تجاری، تسلیحاتی، و فناوری است که در قطعنامه‌های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) وضع شده بودند.

- **ماده ۱۱ قطعنامه ۲۲۳۱:** در اقدام وفق ماده ۴۱ منشور ملل متحد، تصمیم می‌گیرد که ظرف ۳۰ روز از دریافت اعلامیه یکی از دولتهای طرف برجام در مورد مساله‌ای که آن دولت طرف برجام اعتقاد دارد مصداق عدم پایبندی اساسی در مورد تعهدات وفق برجام است،



امنیت و بازگشت خودکار تحریم‌ها منتهی می‌شود. این ۲ بند از آن‌جا که رجوع به آن‌ها می‌تواند به بازگشت خودکار تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران بینجامد، به «مکانیسم ماشه» (Snapback Mechanism) معروف شده‌اند.

- ماده ۳۶ برجام

چنانچه ایران معتقد باشد که هریک یا کلیه اعضای گروه ۱ + ۵ تعهدات خود را طبق این برجام رعایت ننموده‌اند، ایران می‌تواند موضوع را به منظور حل و فصل به کمیسیون مشترک ارجاع نماید. به همین ترتیب، چنانچه هریک از اعضای گروه ۱ + ۵ معتقد باشد که ایران تعهدات خود را طبق برجام رعایت نکرده است، هریک از دولت‌های گروه ۱ + ۵ می‌تواند اقدام مشابه به عمل آورد. کمیسیون مشترک ۱۵ روز زمان خواهد داشت تا موضوع را فیصله دهد، مگر اینکه این زمان با اجماع تمدید شود. متعاقب بررسی کمیسیون مشترک، چنانچه هر عضو معتقد باشد که موضوع پایبندی فیصله نیافته است، می‌تواند موضوع را به وزیران امور

خارج ارجاع دهد. وزیران ۱۵ روز خواهند داشت تا موضوع را فیصله دهند مگر اینکه این زمان با اجماع تمدید شود. پس از بررسی کمیسیون مشترک، به موازات (یا به جای) بررسی در سطح وزیران، عضو شاکی یا عضوی که اجرای تکالیفش زیر سوال بوده است، می‌تواند درخواست نماید که موضوع توسط یک هیات مشورتی که متشکل از سه عضو خواهد بود (یکی از سوی هریک از طرف‌های درگیر در اختلاف و طرف سوم مستقل) بررسی شود. هیات مشورتی می‌بایست نظریه غیر الزام‌آوری را در خصوص موضوع پایبندی ظرف ۱۵ روز ارائه نماید. چنانچه متعاقب این فرایند ۳۰ روزه موضوع فیصله نیابد، کمیسیون مشترک در کمتر از ۵ روز نظریه هیات مشورتی را با هدف فیصله موضوع بررسی خواهد کرد. چنانچه موضوع کماکان به نحو مورد رضایت طرف شاکی فیصله

شورا باید در مورد پیش نویس یک قطعنامه برای ادامه‌ی اجرای لغوهای مذکور در بند ۷ (الف) این قطعنامه رأی‌گیری نماید، مضافاً تصمیم می‌گیرد که چنانچه ظرف ۱۰ روز از اعلامیه فوق‌الذکر، هیچ طرفی از شورای امنیت چنین پیش‌نویس قطعنامه‌ای را برای رأی‌گیری ارائه نکرد، این رئیس شورای امنیت است که بایستی چنین پیش‌نویس قطعنامه‌ای را ارائه کرده و آن را ظرف ۳۰ روز از زمان اعلامیه فوق‌الذکر به رأی بگذارد، و شورا قصد خود برای در نظر گرفتن دیدگاه‌های دولتهای درگیر در موضوع و هر نظریه هیات مشورتی ایجاد شده در برجام در خصوص موضوع را ابراز می‌دارد. (نقل از وبسایت وزارت امور خارجه ج.ا.ایران)

- **ماده ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱:** در اقدام وفق ماده ۴۱ منشور ملل متحد، تصمیم می‌گیرد که اگر شورای امنیت یک قطعنامه وفق بند ۱۱ برای ادامه اجرای لغوهای بند ۷ (الف) تصویب نکرد، آنگاه با اثربخشی از زمان نیمه شب به وقت گرینویچ پس از سی‌امین روز متعاقب دریافت اعلامیه مورد اشاره در بند ۱۱ به شورای امنیت، تمام مفاد قطعنامه‌های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) که براساس بند ۷ (الف) لغو شده بوده‌اند، باید به همان نحوی که پیش از تصویب این قطعنامه اعمال می‌شدند، اعمال شوند و تدابیر مندرج در بندهای ۷، ۸ و ۱۶ تا ۲۰ این قطعنامه باید لغو شوند، مگر آنکه شورای امنیت به گونه دیگری تصمیم بگیرد. (نقل از وبسایت وزارت امور خارجه ج.ا.ایران)

ب - ۳. مکانیسم ماشه در برجام

بنابر سازوکار حل و فصل اختلافات برجام مندرج در بندهای ۳۶ و ۳۷، در صورتی که هریک از طرف‌های باقی مانده در برجام باور داشته باشند که ایران با اقدامات خود توافق را نقض کرده می‌توانند روندی را آغاز کنند که به ارجاع مجدد پرونده به شورای



برجام قلمداد خواهد نمود. (نقل از وبسایت وزارت امور خارجه ج.ا.ایران)

ب - ۴. فرآیند فعال سازی ماشه

فرآیند فعال سازی مکانیسم ماشه در بندهای ۱۱ و ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱ به شرح زیر است:

۱. ادعای نقض تعهدات

یکی از اعضای برجام ادعا می کند که ایران تعهدات هسته ای خود را نقض کرده است. این ادعا معمولاً بر اساس گزارش های آژانس بین المللی انرژی اتمی مطرح می شود (مانند گزارش های اخیر آژانس).

۲. ارجاع به کمیسیون مشترک

موضوع به کمیسیون مشترک برجام (شامل ایران، ۱+۵، و اتحادیه اروپا) ارجاع می شود. کمیسیون ۱۵ روز برای حل و فصل از طریق مذاکره فرصت دارد که این مدت با توافق طرفین قابل تمدید است.

۳. ارجاع به هیات وزرای خارجه ۱ + ۵

در صورت عدم حل و فصل در کمیسیون، موضوع به هیات وزرای خارجه با مهلت ۱۵ روزه ارجاع می شود.

۴. ارجاع به هیات مشورتی

در صورت عدم حصول نتیجه در هیات وزرای خارجه، موضوع جهت حل و فصل به هیات مشورتی متشکل از سه عضو ارجاع می شود. این هیات ۵ روز برای تصمیم گیری فرصت خواهد داشت.

۵. ارجاع به شورای امنیت

در صورت عدم توافق در کمیسیون، موضوع به شورای امنیت ارجاع می شود. شورای امنیت ۳۰ روز فرصت دارد تا قطعنامه ای برای ادامه تعلیق تحریم ها تصویب کند.

۶. بازگشت تحریم ها

اگر قطعنامه ای تصویب نشود یا توسط یکی از اعضای دائم وتو شود، تحریم های پیشین سازمان ملل به صورت خودکار بازمی گردند. این تحریم ها

نیافته باشد و چنانچه طرف شاکی معتقد باشد که موضوع مصداق «عدم پایبندی اساسی» است، آنگاه آن طرف می تواند موضوع فیصله نیافته را بعنوان مبنای توقف کلی و یا جزئی اجرای تعهداتش وفق برجام قلمداد کرده و یا به شورای امنیت سازمان ملل متحد ابلاغ نماید که معتقد است موضوع مصداق «عدم پایبندی اساسی» به شمار می آید. (نقل از وبسایت وزارت امور خارجه ج.ا.ایران)

- ماده ۳۷ برجام

متعاقب دریافت ابلاغ طرف شاکی به نحو مشروح در فوق، به همراه توضیحی از تلاش های توأم با حسن نیت آن طرف برای طی فرایند حل و فصل اختلاف پیش بینی شده در برجام، شورای امنیت سازمان ملل متحد می بایست منطبق با رویه های خود در خصوص قطعنامه ای برای تداوم لغو تحریم ها رای گیری نماید. چنانچه قطعنامه فوق الذکر ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ به تصویب نرسد، مفاد قطعنامه های سابق شورای امنیت مجدداً اعمال خواهند شد مگر اینکه شورای امنیت به نحو دیگری تصمیم گیری نماید. در چنین صورتی این مفاد در خصوص قراردادهایی که بین هر طرف و ایران یا افراد و نهادهای ایرانی قبل از تاریخ اعمال آنها امضا شده باشد، دارای اثر عطف به ماسبق نیست. مشروط به این که فعالیت های صورت گرفته وفق اجرای این قراردادها منطبق با این برجام و قطعنامه های قبلی و فعلی شورای امنیت باشد. شورای امنیت سازمان ملل متحد با ابراز نیت خود برای جلوگیری از اجرای دوباره مفاد در صورتی که موضوعی که منجر به ابلاغ شده در مدت مقرر حل و فصل گردیده باشد، دیدگاه های طرف های اختلاف و هرگونه نظریه صادره توسط هیات مشورتی را ملحوظ خواهد داشت. ایران بیان داشته است که چنانچه تحریم ها جزئاً یا کلاً مجدداً اعمال شوند، ایران این امر را به منزله زمینه ای برای توقف کلی یا جزئی تعهدات خود وفق این



شامل محدودیت‌های گسترده مالی، تجاری، و تسلیحاتی می‌شوند و می‌توانند ایران را ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد (تهدید صلح جهانی) قرار دهند. شایان ذکر است این فرآیند به دلیل عدم نیاز به اجماع در شورای امنیت، قدرت مانور تروئیکای اروپایی (بریتانیا، فرانسه، آلمان) را افزایش می‌دهد. ایران می‌تواند نقض تعهدات متقابل اروپا (مانند عدم اجرای سازوکار مالی اینستکس) را مطرح کند، اما این دفاع از نظر حقوقی مانع فعال سازی ماشه نمی‌شود.

خلاصه

مکانیسم ماشه یکی از سازوکارهای مندرج در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد و برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) است که در سال ۲۰۱۵ با هدف نظارت بر اجرای تعهدات هسته‌ای ایران طراحی شد. این مکانیسم به کشورهای عضو برجام اجازه می‌دهد در صورت نقض اساسی تعهدات هسته‌ای ایران، فرایندی را آغاز کنند که بدون نیاز به اجماع یا رأی مثبت اعضای شورا، منجر به بازگشت خودکار تمام تحریم‌های پیشین شورای امنیت می‌شود.

فرآیند فعال سازی ماشه به صورت حقوقی در بندهای ۱۱ و ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱ تعریف و در مواد ۳۶ و ۳۷ برجام نیز تشریح شده است. بر اساس این سازوکار، چنانچه یکی از اعضای برجام (ازجمله فرانسه، آلمان یا بریتانیا) به جمع‌بندی برسد که ایران به تعهدات خود پایبند نیست، می‌تواند موضوع را ابتدا به کمیسیون مشترک برجام و در نهایت به شورای امنیت ارجاع دهد. چنانچه در شورای امنیت ظرف ۳۰ روز قطعنامه‌ای برای ادامه تعلیق تحریم‌ها تصویب نشود، تمامی تحریم‌های لغوشده پیشین (ازجمله در قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۸۰۳، و ۱۹۲۹) به صورت خودکار و بدون رأی‌گیری مجدد بازمی‌گردند. ساختار این مکانیسم برخلاف دیگر سازوکارهای شورای امنیت، نیازمند تصویب یا اجماع نیست، بلکه تنها کافیست یک عضو دائم، فرآیند را

آغاز کند و سپس با استفاده از حق وتو، از تصویب قطعنامه تمدید تعلیق تحریم‌ها جلوگیری نماید. بدین ترتیب حتی در صورت مخالفت اکثریت دیگر اعضا، بازگشت تحریم‌ها قطعی خواهد شد. در سال‌های پس از خروج یک‌جانبه امریکا از برجام (۲۰۱۸)، ایران نیز اقدام به کاهش مرحله‌ای تعهدات هسته‌ای خود نمود. این اقدامات به‌ویژه پس از حملات اخیر به تأسیسات هسته‌ای (نطنز، فوردو، و اصفهان) و تشدید تنش‌ها در منطقه، باعث شد تروئیکای اروپا در ژوئیه ۲۰۲۵ هشدار دهند که در صورت عدم پیشرفت در مذاکرات، ممکن است تا اوت ۲۰۲۵ مکانیسم ماشه را فعال کنند.

با فعال شدن ماشه تحریم‌های گسترده‌ای در حوزه‌های مالی، تسلیحاتی، بانکی، فناوری و لجستیک به ایران بازمی‌گردد و این کشور عملاً ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد قرار خواهد گرفت که مختص موارد تهدید صلح و امنیت جهانی است. از منظر حقوقی اگرچه ایران می‌تواند به عدم پایبندی طرف‌های اروپایی به تعهدات خود (نظیر عدم راه‌اندازی سازوکار مالی اینستکس) استناد کند، اما این استدلال در متن قطعنامه ۲۲۳۱ و ساختار ماشه، مانع آغاز فرآیند بازگشت تحریم‌ها نخواهد بود.

در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه در زمان آخرین مهلت قانونی یعنی ۲۶ مهر ۱۴۰۴ (وفق بند ۲۳ پیوست ۵ قطعنامه ۲۲۳۱)، فرایند به شکل زیر خواهد بود: شروع فرایند با اعتراض یکی از اعضا (نهایتاً تا ۲۶ مهر ۱۴۰۴) - ارائه شکایت به کمیسیون مشترک برجام (۱۵ روز فرصت حل‌اختلاف) - ارجاع به هیات وزرای خارجه ۱+۴ در صورت عدم حل‌وفصل در کمیسیون مشترک (۱۵ روز فرصت هیات وزرا) - ارجاع به هیات مشورتی متشکل از سه عضو (۵ روز فرصت تصمیم‌گیری) - ارجاع به شورای امنیت (۳۰ روز فرصت برای رد یا تایید شکایت).



ج - ۱. معرفی فصل هفتم منشور

منشور ملل متحد یک معاهده حقوقی است و مانند سایر معاهدات قانونی، تعهداتی را برای طرفین به وجود می‌آورد که دولت‌های عضو متعهد شده‌اند مفاد آن را پذیرفته و اجرا کنند.

فصل هفتم منشور ملل متحد (Chapter VII of the United Nations Charter) اختیارات شورای امنیت را برای حفظ صلح بیان می‌نماید و به این شورا اجازه می‌دهد تا «وجود هرگونه تهدیدی برای صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوزگرانه» را تعیین کند و اقدامات نظامی و غیر نظامی را برای «برقراری صلح و امنیت بین‌المللی انجام» دهد.

فصل هفتم از آنجایی در منشور سازمان ملل متحد اهمیت دارد که مکانیسم اجرایی دارد و شورای امنیت به‌عنوان زیر مجموعه سازمان ملل از آن برای محدود کردن کشورها استفاده می‌نماید. شورای امنیت بعد از بررسی شرایط و تصویب آن به‌عنوان یک تهدید، ابتدا با تصمیمات غیرنظامی مانند تحریم اقتصادی و سیاسی از پیچیده‌تر شدن شرایط جلوگیری می‌کند و پس از آن در صورت تشخیص کافی نبودن اقدامات، از نیروی نظامی برای برقراری صلح استفاده می‌کند.

ج - ۲. چکیده مفاد فصل هفتم منشور

فصل هفتم منشور ماده‌های ۳۹ تا ۵۱ را شامل می‌شود و به شورای امنیت اختیار می‌دهد تا در صورت وقوع تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز، اقدامات لازم را برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ کند.

- ماده ۳۹. تشخیص تهدید

شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه را تشخیص داده و توصیه‌هایی ارائه می‌دهد یا تصمیم می‌گیرد که چه تدابیری بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲ برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ شود.

شرح: این ماده به شورای امنیت اجازه می‌دهد تا رسماً تشخیص دهد که وضعیت خاصی (مثل جنگ داخلی، تجاوز خارجی، یا نسل‌کشی) تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است. این تشخیص، پیش نیاز قانونی برای اقدامات اجرایی بعدی است.

- ماده ۴۰. اقدامات پیشگیرانه موقت

برای جلوگیری از وخامت اوضاع، شورای امنیت می‌تواند پیش از ارائه توصیه یا اتخاذ تدابیر پیش‌بینی‌شده در ماده ۳۹، از طرف‌های ذی‌ربط بخواهد که به تدابیر موقتی که آن را لازم یا مطلوب می‌داند، پایبند باشند. این تدابیر موقتی به حقوق، دعاوی یا موقعیت طرف‌های ذی‌ربط لطمه‌ای وارد نمی‌کند. شورای امنیت عدم رعایت این تدابیر موقتی را در نظر خواهد گرفت.

شرح: پیش از اعمال تحریم یا استفاده از نیروی نظامی، شورای امنیت ممکن است از طرف‌ها بخواهد اقدامات موقتی انجام دهند (مثل ترک درگیری). این دستورات الزام‌آور نیستند ولی تخطی از آن‌ها ممکن است راه را برای اقدامات شدیدتر باز کند.

- ماده ۴۱. اقدامات غیرنظامی الزامی

شورای امنیت می‌تواند تدابیری را که شامل کاربرد نیروی نظامی نمی‌شود برای اجرای تصمیمات خود مقرر دارد و از اعضای سازمان ملل بخواهد آن‌ها را اعمال کنند. این تدابیر ممکن است شامل قطع کامل یا جزئی روابط اقتصادی و ارتباطات ریلی، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و همچنین قطع روابط دیپلماتیک باشد.

شرح: در این ماده، تحریم‌های اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک در اولویت هستند. اغلب کشورهایی که تحت فصل هفتم قرار می‌گیرند ابتدا مشمول ماده ۴۱ می‌شوند (مانند ایران، لیبی، کره شمالی).



- ماده ۴۲. استفاده از نیروی نظامی

چنانچه شورای امنیت تشخیص دهد که تدابیر پیش‌بینی‌شده در ماده ۴۱ ناکافی است یا ناکافی بودن آن اثبات شده باشد، می‌تواند با استفاده از نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی اقداماتی را که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی لازم است، انجام دهد. این اقدامات ممکن است شامل نمایش قدرت، محاصره و سایر عملیات نیروهای مسلح اعضای سازمان ملل متحد باشد.

شرح: این ماده پایه حقوقی استفاده از نیروی نظامی است، مانند مداخله ناتو در لیبی در سال ۲۰۱۱. براساس این ماده، عملیات نظامی باید با تصویب رسمی شورای امنیت و تحت نظارت آن صورت گیرد.

- ماده ۴۳. نیروهای مسلح کشورهای عضو

۱. کلیه اعضای سازمان ملل متحد متعهد می‌شوند برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، بنا به درخواست شورای امنیت و طبق موافقت‌نامه یا موافقت‌نامه‌های ویژه، نیروهای مسلح، کمک‌ها و تسهیلات لازم، از جمله حق عبور، را در اختیار شورای امنیت قرار دهند.

۲. این موافقت‌نامه یا موافقت‌نامه‌ها، شمار و نوع نیروها، میزان آمادگی و محل استقرار کلی آن‌ها و نوع تسهیلات و کمک‌های ارائه‌شده را تعیین خواهد کرد.

۳. این موافقت‌نامه‌ها باید در اسرع وقت به ابتکار شورای امنیت مذاکره شده و میان شورا و اعضا یا گروهی از اعضا منعقد گردد و باید طبق فرآیندهای قانونی داخلی کشورها به تصویب برسد.

شرح: درواقع شورای امنیت می‌توانست مستقیماً از ارتش کشورهای عضو استفاده کند، اما این موافقت‌نامه‌ها هرگز به‌طور کامل امضا نشد، بنابراین سازمان ملل امروز برای عملیات نظامی به همکاری‌های موقتی یا نیروهای ائتلافی متکی است.

- ماده ۴۴. مشارکت در تصمیمات نظامی

زمانی که شورای امنیت تصمیم به استفاده از نیروی نظامی می‌گیرد، پیش از آن‌که از عضوی که در شورا نماینده دائم ندارد بخواهد نیروهای مسلح اعزام نماید، در صورت تمایل آن عضو، وی را به مشارکت در

تصمیم‌گیری‌های مربوط به استفاده از نیروهایش دعوت خواهد کرد.

شرح: کشوری که نیرو یا تجهیزات ارائه می‌دهد، حق دارد در تصمیم‌گیری‌های مربوط به استفاده از آن حضور داشته باشد.

- ماده ۴۵. آمادگی شورای امنیت برای اقدام فوری

برای آن‌که سازمان ملل بتواند اقدامات نظامی فوری اتخاذ نماید، اعضا باید واحدهای نیروی هوایی ملی خود را برای اقدامات مشترک بین‌المللی فوراً در دسترس قرار دهند. تعداد، میزان آمادگی و طرح‌های عملیاتی این واحدها توسط شورای امنیت و با همکاری کمیته ستاد نظامی و در چارچوب موافقت‌نامه‌های ماده ۴۳ مشخص می‌شود.

شرح: این ماده هرگز به‌طور رسمی اجرا نشد. عملاً نیروهای آماده سریع از طریق ناتو، اتحادیه آفریقا، یا گروه‌های داوطلب بین‌المللی تأمین می‌شوند.

- ماده ۴۶. برنامه‌ریزی نظامی

طرح‌های مربوط به استفاده از نیروی نظامی توسط شورای امنیت و با همکاری کمیته ستاد نظامی تهیه می‌شود. **شرح:** این کمیته نیز در عمل فعالیت محدودی دارد و بیشتر نمادین باقی مانده است.

- ماده ۴۷. کمیته ستاد نظامی

۱. کمیته‌ای به نام کمیته ستاد نظامی برای مشاوره و کمک به شورای امنیت در کلیه امور مرتبط با نیازهای نظامی شورا جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، استفاده و فرماندهی نیروهای تحت اختیار شورا، تنظیم تسلیحات و خلع سلاح احتمالی تشکیل می‌شود.

۲. این کمیته متشکل از رؤسای ستاد اعضای دائم شورای امنیت یا نمایندگان آن‌ها خواهد بود. هر عضو دیگر سازمان ملل که در این کمیته نماینده دائم ندارد، در صورت لزوم به مشارکت دعوت خواهد شد.

۳. کمیته ستاد نظامی زیر نظر شورای امنیت مسئول هدایت راهبردی نیروهای مسلحی است که در اختیار شورا قرار گرفته‌اند. جزئیات مربوط به فرماندهی این نیروها بعداً تنظیم خواهد شد.



شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را اتخاذ نماید. اقداماتی که در اجرای این حق دفاع اتخاذ می‌شود، باید فوراً به شورای امنیت گزارش شود و به هیچ وجه اختیارات و مسئولیت‌های شورای امنیت در راستای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.

شرح: این ماده پایه حقوقی بسیاری از اقدامات نظامی یک‌جانبه یا گروهی است. کشورها می‌توانند در برابر حمله نظامی دست به دفاع بزنند، حتی بدون مجوز قبلی شورای امنیت. البته هر اقدامی باید فوراً به شورای امنیت گزارش شود.

ج- ۳. سوابق اقدامات علیه کشورها

براساس مستندات موجود تا کنون کشورهای مختلفی ذیل فصل ۷ منشور ملل متحد مشمول اقدامات متعدد جامعه جهانی قرار گرفته‌اند که در ذیل به برخی از مهمترین این موارد اشاره می‌کنیم:

ج- ۳- ۱. عراق

در اوت ۱۹۹۰، عراق به رهبری صدام حسین به کویت حمله کرد. این اقدام تجاوزی آشکار به تمامیت ارضی یک کشور عضو سازمان ملل بود و شورای امنیت با استناد به فصل هفتم منشور ملل متحد، در قطعنامه ۶۶۱، تحریم‌هایی همه‌جانبه علیه عراق وضع کرد. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت صادرات و واردات، انسداد دارایی‌ها و توقف تعاملات مالی بود.

پس از شکست عراق در جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱)، شورای امنیت قطعنامه ۶۸۷ را تصویب کرد که طی آن عراق ملزم به نابودی کامل سلاح‌های کشتار جمعی شد. بازرسان UNSCOM مأمور نظارت بر این فرایند شدند. قطعنامه‌های بعدی نیز در پاسخ به بحران انسانی و عدم همکاری عراق، تصویب شدند؛ از جمله قطعنامه ۶۸۸ درباره وضعیت کردها و ۷۰۷ درباره عدم شفافیت تسلیحاتی عراق.

در سال ۱۹۹۵ برای کاهش فشار انسانی ناشی از تحریم‌ها، شورای امنیت برنامه «نفت در برابر غذا» را تحت

۴. این کمیته با مجوز شورای امنیت و پس از مشورت با نهادهای منطقه‌ای مربوط، می‌تواند کمیته‌های فرعی منطقه‌ای تشکیل دهد.

شرح: این کمیته تا دهه ۱۹۵۰ فعال بود اما پس از آن به دلیل اختلافات جنگ سرد، عملاً غیرفعال شد.

- ماده ۴۸. اجرای تصمیمات شورای امنیت

۱. اقداماتی که برای اجرای تصمیمات شورای امنیت به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی لازم است، توسط همه اعضای سازمان ملل یا برخی از آن‌ها، بنابر تصمیم شورای امنیت انجام خواهد شد.

۲. این تصمیمات به صورت مستقیم و از طریق اقدام در نهادهای بین‌المللی مربوطه‌ای که عضو آن هستند، اجرا می‌شود.

شرح: این ماده تضمین می‌کند که وقتی شورای امنیت تصمیمی اتخاذ کرد، برای همه کشورها الزام آور است.

- ماده ۴۹. همکاری متقابل

اعضای سازمان ملل متحد در اجرای تدابیری که شورای امنیت اتخاذ کرده است، با یکدیگر کمک خواهند کرد.

شرح: این ماده پشتوانه‌ی همکاری منطقه‌ای و ائتلافی در اجرای تحریم‌ها یا مأموریت‌هاست.

- ماده ۵۰. کمک به کشورهای آسیب‌دیده از تحریم

اگر اقدامات پیشگیرانه یا اجرایی علیه کشوری از سوی شورای امنیت اتخاذ شود و کشور دیگری (اعم از عضو یا غیرعضو سازمان ملل) در اثر آن با مشکلات اقتصادی خاصی مواجه گردد، حق دارد برای یافتن راه حل، با شورای امنیت مشورت نماید.

شرح: این ماده برای محافظت از کشورهایی است که به دلیل مجاورت یا تجارت با کشورهای تحت تحریم، خودشان هم دچار آسیب اقتصادی می‌شوند.

- ماده ۵۱. حق دفاع مشروع فردی یا جمعی

هیچ‌یک از مفاد این منشور به حق ذاتی دفاع فردی یا جمعی در صورت حمله مسلحانه به یکی از اعضای سازمان ملل لطمه وارد نمی‌کند، تا زمانی که



مواجهه شد و قطعنامه ۲۳۷۵ ممنوعیت‌هایی بر واردات نفت، صادرات منسوجات و اشتغال اتباع کره شمالی در خارج اعمال کرد. تا سال ۲۰۲۴، شورای امنیت بیش از ۱۰ قطعنامه علیه کره شمالی صادر کرده است. اثربخشی این تحریم‌ها در گروی همکاری کشورهای مانند چین و روسیه باقی مانده و همچنان بخش مهمی از گفت‌وگوهای امنیتی شرق آسیا را شکل می‌دهد.

ج-۳-۳. لیبی

در سال ۲۰۱۱ لیبی صحنه اعتراضات گسترده مردمی علیه حکومت معمر قذافی شد. این اعتراضات که با سرکوب خونین دولت مواجه شد، به سرعت به بحرانی بین‌المللی بدل گشت. گزارش‌هایی از جنایات سنگین علیه غیرنظامیان، به ویژه تهدید به نسل‌کشی در بنغازی، موجب شد شورای امنیت سازمان ملل با استناد به فصل هفتم منشور ملل متحد وارد عمل شود.

در نخستین گام، قطعنامه ۱۹۷۰ در تاریخ ۲۶ فوریه ۲۰۱۱ به تصویب رسید که تحریم تسلیحاتی، ممنوعیت سفر و توقیف دارایی‌های مقام‌های لیبی را در پی داشت. همچنین برای نخستین بار، پرونده‌ای با اجماع کامل اعضا به دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) ارجاع داده شد. با ادامه سرکوب‌ها، قطعنامه ۱۹۷۳ در ۱۷ مارس ۲۰۱۱ به تصویب رسید که اجازه استفاده از نیروی نظامی برای حفاظت از غیرنظامیان را صادر کرد و منطقه پرواز ممنوع در لیبی برقرار شد. در پی این قطعنامه، ائتلافی بین‌المللی به رهبری ناتو عملیات نظامی علیه نیروهای قذافی را آغاز کرد. سرانجام در اکتبر ۲۰۱۱، قذافی کشته شد و حکومت ۴۲ ساله‌اش پایان یافت. شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۲۰۰۹ در سپتامبر ۲۰۱۱ تحریم‌ها را تعدیل و مأموریت سیاسی سازمان ملل در لیبی (UNSMIL) را برای حمایت از بازسازی و گذار دموکراتیک تشکیل داد.

فروپاشی رژیم قذافی به ثبات منجر نشد و لیبی وارد جنگ داخلی تازه‌ای شد. شکل‌گیری دولت‌های موازی، حضور شبه‌نظامیان، و دخالت بازیگران خارجی موجب پیچیدگی بیشتر بحران شد. در

قطعنامه ۹۸۶ ایجاد کرد. این برنامه اجازه صادرات محدود نفت در قبال واردات غذا و دارو را به عراق می‌داد و تا سال ۲۰۰۳ ادامه یافت.

با ادامه ابهام درباره سلاح‌های ممنوعه عراق، شورای امنیت در سال ۲۰۰۲ قطعنامه ۱۴۴۱ را تصویب کرد که به عراق «آخرین فرصت» برای همکاری با بازرسان بین‌المللی می‌داد. پس از ناکامی در حل اختلافات، آمریکا و متحدانش بدون مجوز صریح شورای امنیت به عراق حمله کردند. پس از سقوط رژیم بعث، قطعنامه ۱۴۸۳ در سال ۲۰۰۳ با هدف بازسازی عراق تصویب شد و صندوق توسعه عراق (DFI) ایجاد گردید.

در بازه ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳، شورای امنیت با صدور قطعنامه‌هایی از جمله ۱۹۵۶، ۱۹۵۷ و ۲۱۰۷ به خروج تدریجی عراق از فصل هفتم رأی داد. در نهایت، در سال ۲۰۲۴، سازمان ملل اعلام کرد که مأموریت سیاسی‌اش در عراق تا پایان ۲۰۲۵ خاتمه خواهد یافت، نشانه‌ای از پایان مداخله گسترده بین‌المللی پس از سه دهه.

ج-۳-۲. کره شمالی

کره شمالی از سال ۲۰۰۶ با انجام نخستین آزمایش هسته‌ای، وارد مسیر تنش‌زای جدی با جامعه بین‌الملل شد. شورای امنیت در واکنش به این تهدید، مجموعه‌ای از قطعنامه‌های الزام‌آور را براساس فصل هفتم منشور تصویب کرد.

نخستین قطعنامه (۱۷۱۸) صادرات سلاح‌های سنگین و انتقال فناوری‌های هسته‌ای و موشکی به این کشور را ممنوع کرد. با انجام آزمایش‌های دوم و سوم، قطعنامه‌های ۱۸۷۴ (۲۰۰۹) و ۲۰۹۴ (۲۰۱۳) با تحریم‌های شدیدتر، از جمله بازرسی اجباری کشتی‌ها و انسداد بیشتر دارایی‌های خارجی تصویب شدند. دو آزمایش دیگر در سال ۲۰۱۶ منجر به تصویب قطعنامه‌های ۲۲۷۰ و ۲۳۲۱ شد که به ممنوعیت صادرات مواد معدنی، محدودیت فروش سوخت هواپیما و دسترسی به نظام بانکی جهانی انجامید. آزمایش ششم در سال ۲۰۱۷، که از نوع گرمهسته‌ای (هیدروژنی) بود، با واکنش شدید شورای امنیت



واکنش، شورای امنیت با قطعنامه‌هایی نظیر ۲۱۷۴ (۲۰۱۴) و ۲۲۵۹ (۲۰۱۵)، تحریم‌های جدیدی وضع کرد و از دولت وفاق ملی (GNA) حمایت رسمی به عمل آورد. تحریم تسلیحاتی لیبی همچنان ادامه دارد و تنها با مجوز شورای امنیت، ارسال تجهیزات نظامی به این کشور مجاز است. پرونده لیبی یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های اجرای اصل «مسئولیت حمایت و مداخله بشردوستانه» در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود.

ج- ۳ - ۴. سوریه

با آغاز اعتراضات در ۲۰۱۱ شورای امنیت تعدادی قطعنامه علیه خشونت حکومت علیه غیرنظامیان تصویب کرد اما روسیه و چین مانع ایجاد قطعنامه‌ای الزام‌آور تحت فصل هفتم شدند. بنابراین سوریه تاکنون مانند لیبی یا یمن مشمول اقدامات مستقیم فصل هفتم نشده است.

ج- ۳ - ۵. یمن

پس از کودتای حوثی‌ها در ۲۰۱۴ و درگیری با دولت حاکم، شورای امنیت چندین قطعنامه بر اساس فصل هفتم تصویب کرد. قطعنامه ۲۱۴۰ و ۲۲۱۶ شامل تحریم تسلیحاتی، ممنوعیت سفر و توقیف دارایی‌ها برای افراد و گروه‌های یمن بود. قطعنامه ۲۳۴۲ نیز این تحریم‌ها را تمدید و گروه کارشناسان را برای نظارت تعیین کرد. به دنبال حملات حوثی‌ها به کشتی‌ها در دریای سرخ، شورای امنیت قطعنامه‌ای را تصویب کرد که تا ۱۵ ژانویه ۲۰۲۶ گزارش ماهانه درباره حملات ارائه شود و خواستار توقف فوری این حملات و آزادی خدمه آنها شد.

ج- ۳ - ۶. افغانستان

فعالیت‌های طالبان و القاعده به‌ویژه پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به‌عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شد، با این توجیه که طالبان به القاعده پناه داده بود و این گروه مسئول حملات تروریستی متعدد، از جمله بمب‌گذاری سفارتخانه‌های

ج- ۳ - ۷. ج.ا. ایران

از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ شورای امنیت سازمان ملل با استناد صریح به فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، مجموعه‌ای از قطعنامه‌های الزام‌آور علیه ایران صادر کرد. این قطعنامه‌ها در واکنش به برنامه هسته‌ای ایران بودند و ایران را به دلیل عدم همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، طبق ماده ۳۹ فصل ۷ منشور تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی تشخیص داد. مهم‌ترین قطعنامه‌های فصل هفتمی صادر شده علیه ایران عبارتند از:

- قطعنامه ۱۶۹۶ (۲۰۰۶) براساس ماده ۴۰ شامل الزام به تعلیق غنی‌سازی.
- قطعنامه ۱۷۳۷ (۲۰۰۶) براساس ماده ۴۱ شامل تحریم صادرات و واردات تجهیزات هسته‌ای و مسدودسازی دارایی‌ها.
- قطعنامه ۱۷۴۷ (۲۰۰۷) براساس ماده ۴۱ شامل ممنوعیت فروش سلاح و لیست‌گذاری افراد.
- قطعنامه ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) براساس فصل ۷ شامل گسترده‌ترین تحریم‌های موشکی، بانکی، نفتی، و تسلیحاتی.
- شایان ذکر است تمامی این قطعنامه‌ها زیرمجموعه اقدامات غیرنظامی (ماده ۴۱) بوده‌اند و تاکنون مجوز اقدام نظامی علیه ایران (ماده ۴۲) صادر نشده است، بعبارت دیگر ایران هنوز مشمول ماده ۴۲ نشده است.
- در ژوئیه ۲۰۱۵ توافق هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ (برجام) حاصل شد که در پی آن، شورای امنیت قطعنامه ۲۲۳۱ را تصویب و قطعنامه‌های قبلی را لغو، و بسیاری



از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ مجموعه‌ای از قطعنامه‌های الزام‌آور تحت ماده ۴۱ علیه برنامه هسته‌ای کشورمان تصویب شد. این اقدامات شامل تحریم تسلیحاتی، محدودیت‌های بانکی، و بازرسی کشتی‌ها بود. با توافق برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ در سال ۲۰۱۵، ایران از ذیل فصل هفتم خارج شد اما از سال ۲۰۱۸ با خروج یکجانبه آمریکا از برجام، وضعیت در سازمان ملل در حالت تعلیق باقی مانده و تحریم‌ها عمدتاً به شکل یک جانبه ادامه یافته‌اند.

این ساختار حقوقی، مبنای تصمیم‌سازی اعمال فشار یا همکاری با کشورها در شرایط بحران بین‌المللی است و به همین دلیل، فصل هفتم منشور ملل متحد همچنان یکی از ابزارهای پرنفوذ شورای امنیت برای مداخله در نظم جهانی است.

از تحریم‌های قبلی را تعلیق یا متوقف کرد. درعین حال مکانیسم ماشه برای بازگرداندن تحریم‌ها در صورت تخطی ایران از برجام حفظ شد. لذا می‌توان گفت با قطعنامه ۲۲۳۱، ایران دیگر تحت فصل هفتم نبود اما اگر تخطی می‌کرد، بازگشت خودکار تحریم‌ها بدون نیاز به رأی‌گیری جدید، قابل اجرا بود.

در سال ۲۰۱۸ آمریکا از برجام خارج شد و تحریم‌های یکجانبه را بازگرداند، اما نتوانست مکانیسم ماشه را فعال کند. لذا شورای امنیت و اعضای باقی‌مانده در برجام (چین، روسیه، اروپا)، ایران را تحت فصل هفتم تلقی نکردند.

خلاصه

فصل هفتم منشور ملل متحد مبنای حقوقی و اجرایی اصلی برای مداخلات شورای امنیت در مواقع تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی است. این فصل شامل مواد ۳۹ تا ۵۱ بوده و به شورا اجازه می‌دهد ابتدا با تشخیص تهدید (ماده ۳۹)، سپس با اقدامات غیرنظامی (طبق ماده ۴۱) و در صورت لزوم، اقدامات نظامی (وفق ماده ۴۲) وارد عمل شود. اجرای تصمیمات شورا برای تمامی اعضا الزام‌آور است.

بر اساس مفاد این فصل، شورای امنیت می‌تواند تحریم‌هایی چون قطع روابط اقتصادی، ممنوعیت صادرات و واردات، انسداد دارایی‌ها، و ممنوعیت سفر اعمال کند و در صورت ناکافی بودن، از نیروی نظامی برای حفظ یا اعاده صلح استفاده نماید. اگرچه برخی مواد این فصل مانند ماده ۴۳ تا ۴۷ درباره تأمین نیروی نظامی و کمیته نظامی در عمل اجرایی نشده‌اند، سایر مفاد به‌طور گسترده در بحران‌های بین‌المللی استفاده شده‌اند. در دهه‌های اخیر کشورهای متعددی تحت مفاد این فصل قرار گرفته‌اند.



د - ۱ - ۲. تداوم غنی‌سازی اورانیوم در سطوح بالا

ایران از ماه آوریل ۲۰۲۱ به‌طور رسمی فرآیند غنی‌سازی اورانیوم تا سطح ۶۰٪ را در تأسیسات غنی‌سازی نطنز و فردو آغاز کرده و طبق گزارش‌های متوالی آژانس، این روند تا سال ۲۰۲۵ نیز ادامه یافته است. غنی‌سازی در این سطح به‌ویژه در سایت فردو که در دل کوه ساخته شده و از نظر نظامی محافظت شده است، ابعاد حساس‌تری دارد. سطح ۶۰٪ غنی‌سازی تنها چند گام با سطح مورد نیاز برای تولید سلاح هسته‌ای (۹۰٪) فاصله دارد. آژانس تأکید کرده که هیچ توجیه غیرنظامی قابل قبولی برای این سطح از غنی‌سازی وجود ندارد و این روند می‌تواند قابلیت‌های بالقوه تسلیحاتی را به‌شدت افزایش دهد.

هرچند در گزارش آژانس، نشانه‌ای دال بر تلاش ایران برای ساخت سلاح یا تولید کلاهک هسته‌ای ذکر نشده است، اما ادامه این روند با حساسیت بسیار بالایی توسط نهادهای بین‌المللی و کشورهای عضو پیگیری می‌شود.

د - ۱ - ۳. محدودیت دسترسی و بازرسی‌های آژانس

از تاریخ ۲۳ فوریه ۲۰۲۱، ایران اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی و برخی اقدامات شفاف‌سازانه تحت برجام را متوقف کرده است. این تصمیم باعث کاهش محسوس در میزان دسترسی آژانس به اطلاعات فنی، فعالیت‌های جاری و سوابق ضبط‌شده در تأسیسات کلیدی شده است. در گزارش‌های جدید آژانس تأکید شده که بسیاری از دوربین‌های نظارتی، ضبط‌کننده‌های داده، و تجهیزات کنترل از راه دور در تأسیسات نطنز، فردو و مراکز تولید سانتریفیوژ فعال نیستند یا اطلاعات آن‌ها در اختیار آژانس قرار نگرفته است. هرچند در مه ۲۰۲۳ توافقات محدودی برای نصب مجدد برخی تجهیزات صورت گرفت، اما ایران تاکنون اجازه دسترسی به داده‌های ضبط شده قبلی را نداده و این موضوع عملاً پیوستگی نظارتی آژانس را قطع کرده است. آژانس بارها از ایران خواسته تا درباره منشأ ذرات اورانیوم یافت

د. عوامل محرک فعال‌سازی مکانیسم ماشه

د - ۱. عوامل حقوقی

گزارش رسمی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با کد GOV/۲۰۲۵/۲۴ منتشر شده در ۱۱ ژوئن ۲۰۲۵، وضعیت برنامه هسته‌ای ایران را تا تاریخ ۱۷ مه ۲۰۲۵ بررسی می‌کند. این گزارش شامل جزئیات فنی درباره میزان ذخایر اورانیوم غنی‌شده، سطح غنی‌سازی، نوع سانتریفیوژها، و همکاری‌های نظارتی ایران با آژانس است. در ادامه چکیده‌ای از مفاد مهم این گزارش ارائه می‌گردد:

د - ۱ - ۱. ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران

برپایه گزارش رسمی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، میزان کل اورانیوم غنی‌شده ایران تا تاریخ ۱۷ مه ۲۰۲۵ به حدود ۶ / ۹۲۴۷ کیلوگرم رسیده است. این میزان شامل اورانیوم با سطوح مختلف غنی‌سازی است که نسبت به سقف مجاز تعیین‌شده در برجام افزایش چشمگیری نشان می‌دهد. در این گزارش آمده است:

- مقدار قابل‌توجهی از ذخایر در سطح زیر ۵٪ غنی‌سازی شده‌اند که عمدتاً در تأسیسات نطنز و فردو نگهداری می‌شوند.

- حجم اورانیوم غنی‌شده بین ۵ تا ۲۰ درصد رشد چشمگیری داشته و آژانس نسبت به انباشت آن هشدار داده است.

- حدود ۱ / ۱۴۲ کیلوگرم اورانیوم ۲۳۵-U خالص با غنای ۶۰٪ شناسایی شده که از لحاظ فنی نزدیک‌ترین سطح به غنای تسلیحاتی (۹۰٪) تلقی می‌شود. این میزان معادل بیش از ۴۰۰ کیلوگرم UF_۶ با غنای بالا است.

مفاد برجام تصریح می‌کند که ذخایر اورانیوم ایران نباید از ۸ / ۲۰۲ کیلوگرم با غنای زیر ۶۷ / ۳٪ فراتر رود. لذا ذخایر فعلی ایران نه تنها چندین برابر حد مجاز شده، بلکه شامل سطوح بالای غنی‌سازی نیز هست که در چارچوب برجام ممنوع است.



مطابق گزارش‌های رسمی آژانس تا مه ۲۰۲۵، وضعیت برنامه هسته‌ای ایران در قیاس با الزامات برجام به شرح زیر است:

وضعیت تا می ۲۰۲۵	وضعیت طبق برجام (۲۰۱۵)	شاخص کلیدی
تا سطح ۶۰٪ در نطنز و فردو	حداکثر ۳/۶۷٪	سطح غنی‌سازی اورانیوم
بیش از ۹,۲۴۷ کیلوگرم در سطوح مختلف	حداکثر ۲۰۲/۸ کیلوگرم	میزان ذخایر اورانیوم مجاز
استفاده از گسترده‌از IR-4، IR-2m و IR-6 باتولیدانبوه	ممنوع (مجاز فقط به IR-1 در ظرفیت محدود)	استفاده از سانتریفیوژ پیشرفته
محدود شده، بدون دسترسی به داده‌های دوربین‌ها و ضبط	کامل + اجرای پروتکل الحاقی	دسترسی نظارتی آژانس
پاسخ نا کامل یا عدم همکاری در مورد سایت‌های مشکوک	لازم‌الاجرا	بازرسی از سایت‌های اعلام‌نشده

شده در سایت‌های اعلام‌نشده‌ای همچون ورامین، مریوان و تورقوزآباد توضیح دهد، اما تاکنون پاسخ‌های ایران ناقص یا فاقد اعتبار فنی بوده است. در نتیجه این روند، آژانس اعلام کرده که در حال حاضر تصویر کاملی از وضعیت فنی برنامه هسته‌ای ایران در اختیار ندارد و شکاف اطلاعاتی موجود، ارزیابی صلح‌آمیز بودن این برنامه را به‌شدت دشوار کرده است.

د-۱-۴. مقایسه تطبیقی وضعیت ایران با تعهدات برجام

توافق «برجام» در ژوئیه ۲۰۱۵ میان ایران و گروه ۱ + ۵، محدودیت‌های مشخصی برای برنامه هسته‌ای ایران تعریف کرد. براساس این توافق، ایران متعهد شد فعالیت‌های غنی‌سازی خود را به سطح پایین (حداکثر ۳/۶۷٪) محدود کرده، ذخایر اورانیوم خود را به کمتر از ۲۰۲/۸ کیلوگرم کاهش دهد، از استفاده از سانتریفیوژهای پیشرفته خودداری کند، و دسترسی کامل بازرسان آژانس را تضمین نماید. با گذشت زمان و به‌ویژه پس از خروج ایالات متحده از برجام در سال ۲۰۱۸، ایران گام‌هایی برای کاهش تعهدات خود برداشت که در سال‌های بعد از نظر تروئیکای اروپا به تخطی کامل از محدودیت‌های اصلی توافق انجامید.



د- ۲. عوامل سیاسی

د- ۲- ۱. تروئیکای اروپا

در ژوئن ۲۰۲۴ سه کشور اروپایی موسوم به تروئیکای اروپا (بریتانیا، فرانسه و آلمان) با حمایت آمریکا، قطعنامه‌ای در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران به تصویب رساندند. این قطعنامه در واکنش به کاهش همکاری‌های فنی و نظارتی ایران با آژانس صادر شد و از ایران خواستار پاسخ‌گویی فوری درباره منشأ ذرات اورانیوم در سایت‌های اعلام نشده، بازگرداندن تجهیزات نظارتی، و اجرای کامل تعهدات پادمانی شد. این نخستین قطعنامه انتقادی علیه ایران از سال ۲۰۲۲ تاکنون بود و نشانه‌ای از افزایش ناراضایتی اروپا نسبت به روند پرونده هسته‌ای محسوب می‌شود.

در ادامه این روند، تروئیکای اروپا در ژوئیه ۲۰۲۵ هشدار دادند که اگر تا ماه اوت ۲۰۲۵ (شهریور ۱۴۰۴) پیشرفت ملموسی در روند مذاکرات هسته‌ای حاصل نشود، ممکن است اقدام به فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» کنند. با این حال، موضع اروپا در این زمینه با چالش‌های متضاد ژئوپلیتیکی و داخلی مواجه است. از یک‌سو فشار فزاینده از سوی لابی‌های ضدایرانی (به‌ویژه اسرائیل) اروپا را به سمت مواضع سخت‌گیرانه سوق می‌دهد. از سوی دیگر نگرانی از فروپاشی کامل توافق، افزایش تنش در خلیج فارس، و تهدیدات مربوط به امنیت انرژی باعث شده است که این کشورها همچنان به باز بودن مسیر دیپلماسی تأکید داشته باشند. بنابراین هرچند اروپا در ظاهر موضع قاطعی اتخاذ کرده، اما در عمل همچنان میان فشار برای اعمال ابزارهای حقوقی و ضرورت‌های راهبردی مذاکره در نوسان است.

د- ۲- ۲. ایالات متحده آمریکا

در پی خروج یک‌جانبه ایالات متحده از توافق برجام در مه ۲۰۱۸ (دولت ترامپ)، ایالات متحده رسماً به عنوان یکی از اعضای مشارکت‌کننده در توافق شناخته نمی‌شود. این خروج، به‌ویژه پس از صدور دستور اجرایی بازگشت تحریم‌ها و فعال‌سازی تحریم‌های ثانویه علیه شرکت‌ها و کشورهای که با ایران همکاری می‌کردند، از نظر حقوقی توان ایالات متحده برای استفاده مستقیم از مکانیسم ماشه را تضعیف کرد. در آگوست ۲۰۲۰، زمانیکه دولت ترامپ تلاش کرد این مکانیسم را از طریق شورای امنیت فعال کند، ۱۳ عضو از ۱۵ عضو شورا (از جمله متحدان اروپایی آمریکا) اعلام کردند که ایالات متحده پس از خروج از برجام صلاحیت حقوقی این اقدام را ندارد. نتیجه آن بود که شورای امنیت رسماً مکانیسم ماشه را نپذیرفت و اعتبار اقدام آمریکا زیر سؤال رفت.

پس از بازگشت دونالد ترامپ به ریاست‌جمهوری در ژانویه ۲۰۲۵، دولت جدید آمریکا سیاست «فشار حداکثری بازطراحی‌شده» علیه ایران را احیا کرد. یکی از اجزای این رویکرد حمایت فعال کاخ سفید از تلاش تروئیکای اروپا برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه در سال ۲۰۲۵ بود. در همین چارچوب، حملات محدود و هدفمند به برخی تأسیسات هسته‌ای ایران در ژوئن ۲۰۲۵، از سوی واشنگتن به‌عنوان اقدامی بازدارنده و بخشی از سیاست «ممانعت از آستانه‌هسته‌ای شدن» ایران توجیه شد. مقام‌های آمریکایی، بدون پذیرش رسمی مسئولیت حملات، از «حق دفاع پیش‌دستانه» در برابر «تهدید قریب‌الوقوع ناشی از برنامه هسته‌ای ایران» سخن گفتند. در همین حال، فضای سیاسی داخلی آمریکا نیز در قبال پرونده ایران به شدت قطبی است. جناح‌های مخالف، با دخالت مستقیم نظامی یا ورود به درگیری جدید در خاورمیانه مخالفاند. این مخالفت‌ها که بازتاب‌دهنده نگرانی از هزینه‌های



جنگ جدید و فرسایش حمایت افکار عمومی داخلی هستند، محدوده مانور دولت ترامپ را در برخورد با ایران محدود کرده‌اند. به‌ویژه در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، تردیدهای راهبردی در واشنگتن درباره سطح و دامنه واکنش به فعالیت‌های هسته‌ای ایران افزایش یافته است.

د - ۲ - ۳. عوامل سیاسی داخلی ایران

موضوع هسته‌ای در ایران در سطح عالی نظام و در چارچوب «سیاست‌های کلی نظام» تعریف می‌شود و از حوزه دولت‌های منتخب فراتر می‌رود. شورای عالی امنیت ملی و در نهایت رهبری جمهوری اسلامی تصمیم‌گیر نهایی در سطوح راهبردی هستند. برنامه هسته‌ای نه صرفاً پروژه‌ای فنی یا اقتصادی، بلکه نشانه استقلال ملی تلقی می‌شود. این نگاه موجب شده که حتی در دوره‌های مذاکره، سطح غنی‌سازی و پیشرفت سانتریفیوژها به عنوان اهرم چانه‌زنی حفظ شود. بنابراین، در برابر تهدید فعال‌سازی ماشه، واکنش ایران نه صرفاً حقوقی یا دیپلماتیک، بلکه امنیتی و ساختاری خواهد بود.

اگرچه دولت ایران در سیاست خارجی نقش رسمی دارد، اما ترکیب قدرت داخلی نشان می‌دهد که اکثریت مجلس و بخش‌هایی از بدنه حاکمیت از موضع تقابلی با غرب حمایت می‌کنند. مجلس و برخی نهادهای دیگر حاکمیت، بارها مذاکره مجدد بدون لغو تحریم‌ها را رد کرده‌اند. دولت فعلی با چالش‌های متعددی مواجه است و فضای لازم برای عقب‌نشینی یا انعطاف سیاسی گسترده را ندارد، چراکه از حمایت کامل جناح‌های اصولگرا برخوردار نیست. این وضعیت باعث می‌شود که هرگونه عقب‌نشینی در برابر تهدید ماشه، در داخل به عنوان «ضعف» یا «مماشات» تلقی شده و برای دولت پرهزینه باشد. ازسوی دیگر، فشارهای اقتصادی حاصل از تحریم‌ها، تورم بالا، و مسائل اجتماعی، به عاملی تأثیرگذار در تحلیل هزینه-فایده تبدیل شده‌اند.

فعال‌سازی ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، موجب تشدید محدودیت‌ها در حوزه‌های مختلف خواهد شد. این شرایط می‌تواند فشارهای اجتماعی را افزایش داده و دولت را در تنگنا قرار دهد.

د - ۳. عوامل ژئوپلیتیک

در حال حاضر منطقه غرب آسیا با هم‌زمانی چند بحران امنیتی مواجه است که منطقه را در وضعیتی ناپایدار و آماده انفجار نگه داشته است. افزایش تنش‌های نظامی میان ایران، اسرائیل و آمریکا، به ویژه پس از حملات اخیر به تأسیسات هسته‌ای ایران، احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه را تقویت کرده است. رژیم صهیونیستی با اتهام‌زنی به ایران در مورد برنامه هسته‌ای، به دنبال توجیه اقدامات نظامی و فشار برای فعال‌سازی ماشه است. ایران به‌عنوان رأس محور مقاومت، با فعال‌سازی مکانیسم ماشه ممکن است با مشکلات سیاسی بیشتری مواجه شود، اما این موضوع می‌تواند به افزایش تنش‌ها منجر شود که خود عامل تشدید بی‌ثباتی در منطقه است. در چنین شرایطی فعال‌سازی مکانیسم ماشه محرکی ژئوپلیتیکی تلقی می‌شود که می‌تواند واکنش‌های هماهنگ یا پراکنده از سوی ایران و محور مقاومت را در پی داشته باشد. ایران بارها هشدار داده که در صورت بازگشت تحریم‌های شورای امنیت، ممکن است از اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی دست بکشد، همکاری با آژانس را محدود کند، یا حتی در سیاست رسمی «عدم ساخت سلاح هسته‌ای» بازنگری کند. چنین تهدیداتی علاوه‌بر آنکه وجه بازدارندگی دارند، بیانگر این پیام است که مکانیسم ماشه نه فقط ابزار فشار دیپلماتیک بلکه خط قرمز امنیتی ایران است که عبور از آن ممکن است به تغییر در دکترین هسته‌ای جمهوری اسلامی منجر شود.



ازسوی دیگر، آمریکا و اروپا از مکانیسم ماشه برای حفظ هژمونی خود در خاورمیانه استفاده می‌کنند، در حالی که چین و روسیه با حمایت از ایران، به دنبال تضعیف نفوذ غرب هستند. کشورهای خلیج فارس (مانند قطر و عمان) هم به دلیل نگرانی از بی‌ثباتی منطقه‌ای، خواستار دیپلماسی هستند. این رقابت ژئوپلیتیک، تصمیم‌گیری در مورد ماشه را پیچیده‌تر می‌کند.

د- ۴. عوامل اقتصادی

فعال‌سازی مکانیسم ماشه به معنای بازگشت خودکار تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران است که برخلاف تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، از منظر حقوق بین‌الملل، برای همه کشورهای عضو سازمان ملل الزام‌آور تلقی می‌شوند. در صورت بازگشت این تحریم‌ها، صادرات رسمی نفت ایران بسیار محدود می‌شود و حتی کشورهایی مانند چین و هند نیز تحت فشارهای جدی سیاسی و مالی قرار خواهند گرفت. به موازات آن، دسترسی ایران به سیستم بانکی جهانی و نقل و انتقال مالی بین‌المللی بیش‌ازپیش مختل می‌شود و کانال‌های تنفسی اقتصاد خارجی ایران محدودتر خواهد شد. در چنین شرایطی بازار جهانی انرژی به شدت حساس و متأثر خواهد بود. اگر نفت ایران از بازار حذف شود، یا صادرات آن به شکل پنهانی و با ریسک بالا انجام شود، تعادل عرضه و تقاضا در بازار جهانی نفت دچار تنش خواهد شد. افزایش اخیر قیمت نفت در پی تشدید تنش‌های منطقه‌ای، پیش‌نمای کوچکی از این اختلال بالقوه است. کشورهای اروپایی، به‌ویژه پس از بحران انرژی ناشی از جنگ اوکراین، نسبت به هرگونه تنش جدید در خلیج فارس که مسیرهای انتقال نفت (مانند تنگه هرمز) را در معرض تهدید قرار دهد، بسیار حساس‌اند. به همین دلیل، اگرچه اروپا در قبال گزینه ماشه خود را مختار تصور می‌کند، اما

با احتیاط و ملاحظه نسبت به ثبات و امنیت انرژی و پایداری بازار تصمیم‌گیری خواهد کرد. یکی از مهم‌ترین سناریوهای متصور در واکنش ایران به بازگشت تحریم‌های ماشه، افزایش سطح تنش نظامی و امنیتی در خلیج فارس و تهدید به ایجاد محدودیت در کریدورهای انرژی، به‌ویژه تنگه هرمز است که حدود ۲۰٪ نفت جهان از آن عبور می‌کند. در صورت بسته‌شدن یا بی‌ثبات‌شدن این مسیر، نه فقط صادرات نفت ایران بلکه صادرات نفت عربستان سعودی، امارات، قطر، و کویت نیز به شدت آسیب‌پذیر می‌شود. حتی در غیاب اقدام مستقیم، تنها اعلام تهدید ایران یا افزایش فعالیت‌های نظامی در تنگه، می‌تواند هزینه بیمه، حمل و نقل دریایی، و قیمت جهانی نفت را افزایش دهد. به همین دلیل کشورهای عرب خلیج فارس، علی‌رغم برخی تنش‌های سیاسی با تهران خواهان حفظ وضعیت نیمه‌ثابت موجود و پرهیز از انفجار ژئوپلیتیکی جدید هستند.

خلاصه

گزارش رسمی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منتشر شده در ۱۱ ژوئن ۲۰۲۵، ادعا می‌کند که ایران همچنان به توسعه برنامه هسته‌ای خود فراتر از محدودیت‌های برجام ادامه می‌دهد. بر اساس ارزیابی فنی آژانس، مجموع ذخایر اورانیوم غنی شده ایران به رقم بی‌سابقه ۹۲۴۷/۶ کیلوگرم رسیده است. بخش قابل توجهی از این مواد در سطح غنی‌سازی بالاتر از ۵٪، از جمله حدود ۴۰۸ کیلوگرم در سطح ۶۰٪ قرار دارد که از منظر فنی به آستانه تسلیحاتی نزدیک است.

آژانس همچنین ادعا می‌کند که نظارت فنی بر برنامه هسته‌ای ایران به دلیل محدودیت‌های ایجادشده از سوی تهران به‌طور جدی تضعیف شده است. در گزارش آژانس اشاره شده است که ایران از سال ۲۰۲۱ اجرای پروتکل الحاقی را متوقف



هـ. سناریوهای محتمل و پیامدها

هـ - ۱. سناریوی اول: فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌ها

هـ - ۱ - ۱. شرح

در این سناریو تروئیکای اروپایی مکانیسم ماشه را فعال می‌کنند که منجر به بازگشت خودکار تحریم‌های سازمان ملل می‌شود، ضمن آن‌که احتمال بازگشت تحریم‌های اتحادیه اروپا به‌نحو قابل توجهی قوت می‌گیرد. این سناریو با استناد به گزارش‌های آژانس درباره نقض تعهدات ایران و فشارهای سیاسی قوی آمریکا و اسرائیل پیش می‌رود. مذاکرات به نتیجه مطلوبی نمی‌رسد و شورای امنیت قادر به جلوگیری از بازگشت تحریم‌ها نخواهد بود.

هـ - ۱ - ۲. پیامدها

- **اقتصادی:** کاهش شدید صادرات نفت ایران، اختلال در نقل‌وانتقالات مالی بین‌المللی (حتی با چین و هند)، افزایش تورم و محدودیت در واردات کالاهای اساسی. بنگاه‌های کوچک و متوسط با اختلال در زنجیره‌تأمین و افزایش هزینه‌های لجستیک و بیمه مواجه می‌شوند.

- **سیاسی:** احتمال خروج ایران از معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، یا افزایش غنی‌سازی به ۹۰٪ که تنش‌های سیاسی را تشدید می‌کند. این امر ممکن است مشروعیت حقوقی اقدامات غرب را تضعیف کند.

- **نظامی:** حملات محدود احتمالی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران و پاسخ موشکی ایران که تنش‌های منطقه‌ای را افزایش می‌دهد.

- **منطقه‌ای:** حمایت احتمالی برخی کشورهای منطقه از تحریم‌ها و نگرانی قطر و عمان از بی‌ثباتی منطقه‌ای.

کرده و اجازه دسترسی به داده‌های نظارتی دوربین‌ها و تجهیزات ثبت‌شده در تأسیسات کلیدی را نمی‌دهد. علاوه بر این، آژانس مدعی است درباره منشأ ذرات اورانیوم مشاهده شده در سایت‌های اعلام‌نشده، پاسخ شفاف و معتبری از سوی ایران دریافت نکرده است.

چهار دسته عامل کلیدی تأثیرگذار بر احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه به شرح ذیل شناسایی شدند:

۱. **عوامل حقوقی:** مبتنی بر گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و چارچوب حقوقی قطعنامه ۲۲۳۱. این عامل مبنای حقوقی برای ادعای نقض تعهدات ایران را فراهم می‌کنند، اما تحت تأثیر تصمیمات سیاسی قرار می‌گیرند. لذا به دلیل نقش پیش‌نیاز برای توجیه فعال‌سازی ماشه، وزن قابل توجه اما کمتر از عوامل سیاسی دارد.

۲. **عوامل سیاسی:** شامل مواضع تروئیکای اروپا، آمریکا، چین، روسیه، و تلاش‌های دیپلماتیک قطر و عمان. این عامل بالاترین وزن را دارد چراکه تصمیم‌گیری برای فعال‌سازی ماشه، بیش از هرچیز به اراده سیاسی کشورهای بستگی دارد که خود را ذینفع موضوع می‌دانند. نفوذ سیاسی غرب و نقش کلیدی دیپلماسی در این حوزه قابل توجه است.

۳. **عوامل ژئوپلیتیک:** شامل تنش‌های منطقه‌ای (مانند حملات اسرائیل و آمریکا) و نقش کشورهای خلیج فارس که زمینه را برای فشار تشدید بحران یا ثبات منطقه‌ای فراهم می‌کنند.

۴. **عوامل اقتصادی:** شامل تأثیر تحریم‌ها بر تجارت جهانی، قیمت نفت، و اقتصاد ایران. این عامل وزن کمتری نسبت به سایر عوامل دارد چون تأثیر غیرمستقیم بر تصمیم‌گیری ماشه دارد.



هـ - ۲. سناریوی دوم: تعویق ضرب الاجل فعال سازی مکانیسم ماشه

هـ-۲-۱. شرح

مذاکرات ایران با تروئیکای اروپا به توافق مبنی بر تعویق ضرب الاجل ماشه به مدت ۳ تا ۶ ماه پس از اکتبر ۲۰۲۵ (پایان اعتبار مکانیسم) منجر می شود. متعاقب این توافق، تروئیکا با همراهی آمریکا پیش نویس قطعنامه ای را قبل از ۲۶ مهر ۱۴۰۴ به شورای امنیت ملل متحد ارائه می دهد که «روز خاتمه» برجام را ۳ تا ۶ ماه عقب می اندازد یا کارکرد بندهای ۱۱ و ۱۲ را موقتاً ابقا می کند تا «پنجره ماشه» بعد از ۲۶ مهر هم باز بماند. تصویب این قطعنامه نیازمند ۹ رأی موافق و عدم وتوی هر یک از اعضای دائم شورای امنیت است. این سناریو با حمایت چین و روسیه و تمایل کشورهای منطقه تقویت می شود.

هـ-۲-۲. پیامدها

- اقتصادی: تعویق ماشه فضای عدم قطعیت را طولانی تر می کند و خریداران نفت و بیمه گران بین المللی را محتاط می سازد که این امر کاهش صادرات و درآمد ارزی را در پی دارد. فشار بر نقل و انتقالات بانکی و افزایش هزینه های تأمین کالا شدت می گیرد. بنگاه های کوچک و متوسط بیشترین آسیب را از اختلال در واردات مواد اولیه و افزایش هزینه ها خواهند دید. نوسانات بازار ارز و تورم، معیشت عمومی را متأثر می سازد.

- سیاسی: تمدید «پنجره ماشه» به معنای استمرار فشار دیپلماتیک تروئیکا و آمریکا بر ایران است که فضای سیاست داخلی را دوقطبی تر می کند. درحالی که دولت ناچار به مدیریت افکار عمومی و گروه های سیاسی داخلی است، فضای رسانه ای و اجتماعی پر از شایعات و نگرانی خواهد شد.

- نظامی: تعویق ماشه احتمال وقوع حمله نظامی گسترده را کاهش می دهد اما خطر اقدامات محدود و نمادین از سوی بازیگران منطقه ای یا فرامنطقه ای باقی می ماند. امنیت خطوط کشتیرانی در معرض ریسک بالاتر قرار می گیرد و احتمال تهدیدات سایبری و افزایش تحرکات نامتقارن وجود دارد. ضرورت تقویت حفاظت از زیرساخت های حیاتی و آمادگی نهادهای امنیتی و دفاعی افزایش می یابد.

- منطقه ای: بازار نفت منطقه تحت تأثیر نااطمینانی به سمت ذخیره سازی و تغییر مسیر تجاری حرکت می کند. کشورهای همسایه (مانند عمان و قطر) فرصت میانجی گری بیشتری خواهند یافت و نقش آنها پررنگ تر می شود. بازیگران رقیب در منطقه از این وضعیت برای تقویت موقعیت خود بهره خواهند گرفت و احتمالاً درگیری های موردی و تهدیدات پراکنده در منطقه افزایش می یابد.

هـ - ۳. سناریوی سوم: فعال سازی مکانیسم ماشه و تشدید تنش های نظامی

هـ-۳-۱. شرح

مکانیسم ماشه فعال شده و ایران ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد به عنوان «تهدید صلح جهانی» معرفی می شود. این سناریو با حملات گسترده اسرائیل و آمریکا به تأسیسات هسته ای، نظامی و زیرساختی ایران (مانند پالایشگاه ها و بنادر) همراه است که در پاسخ به افزایش غنی سازی یا خروج ایران از معاهده منع گسترش تسلیحات هسته ای رخ می دهد. احتمال وقوع این سناریو بسیار کمتر از دو سناریوی قبلی برآورد می شود.

هـ-۳-۲. پیامدها

- اقتصادی: قفل شدن صادرات نفت ایران، اختلال در نقل و انتقالات مالی بین المللی، افزایش تورم و



تجارت خود را با کشورهای غیرغربی حفظ کند و بنگاه‌ها از طریق تجارت تهاتری و منطقه‌ای فعالیت کنند. تنش‌های سیاسی کاهش می‌یابد و احتمال احیای گفتگوها و توافقات جدید بیشتر می‌شود. همچنین ثبات منطقه‌ای حفظ شده و احتمال تقابل نظامی به شکل محسوسی کاهش می‌یابد.

سناریوی سوم که با احتمال کمتر مطرح می‌شود، ناظر به فعال‌سازی ماشه همراه با تشدید تنش‌های نظامی است. در این وضعیت، ایران به‌عنوان تهدید صلح جهانی معرفی شده و هدف حملات سنگین اسرائیل و آمریکا قرار می‌گیرد. این اقدام می‌تواند با واکنش موشکی ایران و افزایش حملات در منطقه همراه باشد. در نتیجه صادرات نفت تقریباً متوقف و بنگاه‌ها با بحران لجستیکی شدید مواجه خواهند شد. انزوای سیاسی ایران، کاهش حمایت چین و روسیه، و احتمال ورود به جنگ منطقه‌ای گسترده نیز از پیامدهای این سناریو است.

در بررسی این سناریوها، تمرکز اصلی بر احتمال وقوع نیست، بلکه بر آمادگی نهادها برای مواجهه با پیامدهای آنهاست. حتی سناریوهای کم‌احتمال نیز می‌توانند در صورت تحقق، تبعات مهمی داشته باشند. بنابراین تقویت ظرفیت پیش‌نگری، تصمیم‌گیری سریع و هماهنگی میان دستگاه‌ها برای کاهش آسیب‌ها و حفظ تاب‌آوری اقتصادی اهمیت اساسی دارد.

محدودیت در واردات کالاهای اساسی. بنگاه‌های اقتصادی با بروز تنش در بنادر، اختلال عمده در زنجیره تأمین و افزایش هزینه‌های لجستیک و بیمه مواجه می‌شوند.

- **سیاسی:** انزوای بین‌المللی ایران و کاهش حمایت چین و روسیه، همراه با احتمال مذاکرات اجباری تحت فشار نظامی.

- **نظامی:** پاسخ ایران با موشک‌های بالستیک و حملات گروه‌های مقاومت به منافع غرب همراه با احتمال بروز جنگ منطقه‌ای گسترده.

- **منطقه‌ای:** دخالت کشورهای منطقه و خارجی همراه با تشدید بی‌ثباتی در غرب آسیا.

خلاصه

در این بخش سناریوهای محتمل پیش رو و پیامدهای هر یک مورد بررسی قرار گرفت: در سناریوی اول، تروئیکای اروپایی در واکنش به نقض‌های فنی و گزارش‌های آژانس، مکانیسم ماشه را فعال کرده و تحریم‌های سازمان ملل را باز می‌گرداند. این وضعیت با فشارهای آمریکا و اسرائیل تشدید شده و شورای امنیت به‌دلیل وتوی یک عضو دائم، قادر به جلوگیری از بازگشت تحریم‌ها نخواهد بود. پیامدهای این سناریو شامل کاهش شدید صادرات نفت، اختلال در مبادلات مالی بین‌المللی، تشدید تورم، و افزایش فشار بر بنگاه‌های اقتصادی است. همچنین احتمال افزایش سطح غنی‌سازی یا خروج ایران از معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، تهدیدات نظامی محدود از سوی اسرائیل، و بی‌ثباتی بیشتر در منطقه مطرح است.

در سناریوی دوم، مذاکرات هسته‌ای به تمدید ضرب‌الاجل تا پایان اکتبر ۲۰۲۵ می‌انجامد بدون آن‌که مکانیسم ماشه فعال شود. ایران برخی اقدامات اعتمادساز ارائه می‌دهد و اروپا نیز با مشوق‌های اقتصادی همراهی می‌کند. در این حالت ایران می‌تواند



و. تأثیرات فعال سازی مکانیسم ماشه ➤

این بخش از گزارش به صورت کیفی و احتمالی، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل را بر اقتصاد کلان، تجارت، و مسائل اجتماعی ایران بررسی می‌کند. تحلیل بر اساس اصول علمی اقتصاد، تجارت بین‌الملل و علوم اجتماعی و با تمرکز بر بنگاه‌های کوچک و متوسط ارائه شده است. با توجه به عدم دسترسی به منابع، تحلیل‌ها صرفاً بر استدلال‌های منطقی و کیفی مبتنی بر شواهد تاریخی و الگوهای شناخته شده استوار است و نتایج آن احتمالی است.

و-۱. تأثیرات مستقیم فعال شدن مکانیسم ماشه

و-۱-۱. تأثیرات مستقیم بر اقتصاد کلان

- **کاهش درآمدهای نفتی:** بازگشت تحریم‌های سازمان ملل احتمالاً صادرات نفت را به شدت محدود می‌کند زیرا کشورهای خریدار، تحت فشار تحریم‌ها از معامله با ایران خودداری خواهند کرد. این امر به کاهش درآمدهای ارزی دولت منجر می‌شود و به دلیل وابستگی اقتصاد ایران به نفت، فشار مالی قابل توجهی بر بودجه عمومی ایجاد می‌شود. متعاقباً بر اساس نظریه وابستگی به منابع (Resource Dependence Theory) کاهش درآمدهای نفتی، توانایی دولت برای تأمین مالی خدمات عمومی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها را تضعیف می‌کند.

- **افت سرمایه‌گذاری:** تحریم‌ها اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی را کاهش می‌دهد زیرا ریسک‌های ژئوپلیتیک و محدودیت‌های بانکی، جذابیت بازار ایران را کم می‌کند. شرکت‌های خارجی از همکاری با ایران اجتناب کرده و سرمایه‌گذاران داخلی هم به دلیل عدم اطمینان، فعالیت‌های خود را محدود می‌کنند و حتی به دنبال خروج سرمایه خود از

ایران خواهند بود چرا که بر اساس نظریه رفتار سرمایه‌گذاری (Investment Behavior Theory) بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، جریان سرمایه‌گذاری را به سمت بازارهای امن‌تر هدایت می‌کند.

- **افزایش تورم و بی‌ثباتی ارزی:** محدودیت‌های ارزی و کاهش عرضه ارز در بازار، ارزش پول ملی را کاهش داده و تورم را تشدید می‌کند. این امر به دلیل افزایش هزینه‌های واردات و انتظارات تورمی در بازارهای داخلی رخ می‌دهد.

و-۱-۲. تأثیرات مستقیم بر تجارت

- **محدودیت‌های صادراتی:** تحریم‌های سازمان ملل صادرات کلیدی کشور مانند پتروشیمی، فولاد و محصولات صنعتی را مختل می‌کند، زیرا محدودیت‌های بانکی، بیمه و حمل و نقل، دسترسی به بازارهای جهانی را دشوار می‌سازند. با توجه به نظریه مزیت رقابتی (Competitive Advantage Theory) این امر به کاهش توانایی رقابت در بازارهای جهانی و کاهش درآمدهای صادراتی بویژه در بنگاه‌های کوچک و متوسط منجر می‌شود.

- **اختلال در زنجیره تأمین:** دسترسی به مواد اولیه وارداتی، ماشین‌آلات و تجهیزات محدود می‌شود زیرا تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان خارجی به دلیل محدودیت‌های مختلف و بویژه استناد به کاربرد دوگانه بسیاری از مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای، از همکاری با ایران خودداری می‌کنند.

باتوجه به نظریه زنجیره تأمین جهانی (Global Supply Chain Theory) این امر تولید داخلی را مختل می‌کند.

- **توقف مبادلات مالی بین‌المللی:** قطع دسترسی به نظام بانکی جهانی تجارت خارجی را محدودتر می‌کند، اما این امر باتوجه به تجارب گذشته ایران و شرایط موجود پرداخت‌های بین‌المللی در کشور، تا حد زیادی قابل مدیریت است.



و محدودیت‌های تجاری، اعتماد به سیاست‌های اقتصادی دولت را کاهش و سرمایه‌گذاری و مصرف را محدود می‌کند.

- **افزایش فشار بر بودجه عمومی:** مدل‌های سیاست پولی (Monetary Policy Models) نشان می‌دهند که افزایش نقدینگی بدون پشتوانه تولیدی، تورم را افزایش می‌دهد لذا کاهش درآمدهای دولت، احتمالاً سیاست‌هایی مانند چاپ پول را تشدید می‌کند که تورم و بی‌ثباتی اقتصادی را به دنبال خواهد داشت.

و- ۲-۲. تأثیرات غیرمستقیم بر تجارت

- **رشد اقتصاد غیررسمی:** باتوجه به نظریه اقتصاد غیررسمی (Informal Economy Theory) محدودیت‌های تجاری و بانکی، تجارت غیررسمی (مانند قاچاق) را تقویت می‌کند که به سود گروه‌های خاص و کاهش شفافیت اقتصادی منجر می‌شود.

- **کاهش رقابت‌پذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط:** افزایش هزینه‌های تولید و لجستیک، توانایی موسسات کوچک و متوسط برای رقابت در بازارهای منطقه‌ای را کاهش می‌دهد که به از دست رفتن فرصت‌های صادراتی منجر می‌شود.

این امر باتوجه به نظریه هزینه‌های مبادله (Transaction Cost Theory)، قابل توجیه است.

- **بی‌ثباتی بازارهای داخلی:** کاهش واردات، کمبود مواد اولیه و نوسانات ارزی، عرضه کالاهای اساسی را متاثر کرده و قیمت‌ها را بی‌ثبات می‌کند که براساس نظریه عرضه و تقاضا (Supply and Demand Theory)، قابل توجیه است.

و- ۲-۳. تأثیرات غیرمستقیم بر مسائل اجتماعی

- **افزایش نابرابری:** بنابر نظریه نابرابری اقتصادی (Economic Inequality Theory) شوک‌های اقتصادی، توزیع درآمد را نابرابرتر می‌کند. لذا رشد اقتصاد غیررسمی و سودهای کلان گروه‌های خاص،

و- ۱-۳. تأثیرات مستقیم بر مسائل اجتماعی

- **افزایش بیکاری:** کاهش تولید در بخش‌های صنعتی و خدماتی احتمالاً به تعدیل نیروی کار در صنایع مختلف منجر می‌شود، چراکه براساس مدل‌های بازارکار (Labor Market Models) کاهش تقاضا برای محصولات، اشتغال را کاهش می‌دهد و این امر به‌ویژه در صنایع متاثر از تحریم‌ها و بنگاه‌های کوچک و متوسط تأثیر بیشتری خواهد داشت.

- **گسترش فقر:** باتوجه به نظریه توزیع درآمد (Income Distribution Theory) شوک‌های اقتصادی، نابرابری و فقر را در جامعه افزایش می‌دهد. بدیهی است افزایش هزینه‌های زندگی به دلیل تورم و کاهش درآمد خانوارها، منجر به افزایش فقر در میان اقشار متوسط و پایین جامعه می‌شود.

- **فرار مغزها:** براساس نظریه مهاجرت (Migration Theory) عوامل اقتصادی و سیاسی بر مهاجرت نخبگان بسیار موثر است. لذا بدیهی است که بی‌ثباتی اقتصادی و نبود چشم‌انداز روشن، متخصصان را به مهاجرت به کشورهای دیگر ترغیب کند که خود به کاهش سرمایه انسانی منجر می‌شود.

و- ۲. تأثیرات غیرمستقیم فعال شدن مکانیسم ماشه

و- ۲-۱. تأثیرات غیرمستقیم بر اقتصاد کلان

- **تشدید انتظارات تورمی:** شوک روانی ناشی از تحریم‌ها، تقاضا برای دارایی‌های غیرمولد (مانند ارز و طلا) را افزایش داده و اقتصاد را به سمت فعالیت‌های رانتی سوق می‌دهد. این امر منابع مالی را از تولید به سفته‌بازی هدایت می‌کند چراکه بنابر نظریه انتظارات عقلایی (Rational Expectations Theory) اخبار منفی رفتارهای احتیاطی در بازار را تقویت می‌کند.

- **کاهش اعتماد عمومی:** باتوجه به نظریه اعتماد نهادی (Institutional Trust Theory) بی‌ثباتی اقتصادی



تضعیف جایگاه بین‌المللی ایران تشدید خواهد شد که در مجموع انسجام داخلی و قدرت نرم کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در پاسخ به این تهدیدات، مجموعه‌ای از راهکارهای سیاستی پیشنهاد شده که تمرکز آن‌ها بر تقویت تاب‌آوری اقتصادی و افزایش ظرفیت انطباقی کشور است. این اقدامات شامل تسهیل ورود ارز و ترخیص کالاها، توسعه تجارت تهاتری و منطقه‌ای، حمایت مالی و بیمه‌ای از بنگاه‌ها، تقویت تولید داخلی و صادرات خدمات، مدیریت انتظارات روانی و اطلاع‌رسانی شفاف، توسعه مسیرهای لجستیکی جایگزین و تقویت منابع انسانی می‌شود. این بسته سیاستی با تمرکز بر بنگاه‌های کوچک و متوسط و تجارت منطقه‌ای، رویکردی واقع‌بینانه و عملیاتی برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر تحریم‌ها ارائه می‌دهد.

شکاف درآمدی را تشدید و عدالت درآمدی را تضعیف می‌کند.

- **نارضایتی اجتماعی:** بیکاری، فقر و تورم به افزایش اعتراضات و کاهش انسجام اجتماعی منجر می‌شود که بر اساس نظریه محرومیت نسبی (Relative Deprivation Theory) قابل پیش‌بینی است.

- **تضعیف دیپلماسی عمومی:** نظریه قدرت نرم (Soft Power Theory) بیان می‌کند که انزوای اقتصادی، نفوذ فرهنگی و دیپلماتیک را کاهش می‌دهد. لذا می‌توان انتظار داشت که اعمال تحریم‌ها همراه با انزوای بین‌المللی و فشارهای اقتصادی، جایگاه ایران در افکار عمومی جهانی را تضعیف و روابط فرهنگی و اجتماعی را محدود کند.

خلاصه

این بخش از گزارش به صورت کیفی و تحلیلی، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم فعال‌سازی مکانیزم ماشه را بر اقتصاد کلان، تجارت و مسائل اجتماعی ایران بررسی می‌کند. در بُعد اقتصادی، بازگشت تحریم‌های سازمان ملل می‌تواند منجر به کاهش شدید درآمدهای نفتی، افت سرمایه‌گذاری، تشدید تورم و بی‌ثباتی ارزی شود. در بخش تجارت، محدودیت در صادرات صنایع کلیدی، اختلال در زنجیره تأمین و انسداد تبادلات مالی بین‌المللی به ویژه برای بنگاه‌های کوچک و متوسط پیش‌بینی می‌شود. از منظر اجتماعی، افزایش بیکاری، گسترش فقر و موج جدید مهاجرت نخبگان به عنوان پیامدهای فوری قابل ملاحظه است.

تأثیرات غیرمستقیم نیز شامل تشدید انتظارات تورمی، افزایش فعالیت‌های غیررسمی و کاهش اعتماد عمومی است. اقتصاد ممکن است به سمت فعالیت‌های غیرمولد سوق پیدا کند، در حالی که فشار بر بودجه عمومی، رقابت‌پذیری بنگاه‌ها و ثبات بازارهای داخلی کاهش می‌یابد. در سطح اجتماعی نیز، نابرابری اقتصادی، نارضایتی عمومی و



➤ ز. راهکارهای پیشنهادی ➤

ز- ۱. بهره‌گیری از «دیپلماسی مسیردوم»

در شرایطی که تهدید فعال‌سازی مکانیسم ماشه به مرحله‌ای تعیین‌کننده رسیده، ادامه تنش بدون راه‌حل دیپلماتیک می‌تواند منجر به بازگشت کامل تحریم‌های شورای امنیت شود. در این مقطع، مذاکره و رایزنی فشرده با اعضای برجام تا پیش از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، اقدامی راهبردی است. این مذاکرات باید بر پایه رویکردی دوسویه شامل «دیپلماسی رسمی-پنهان» و «دیپلماسی مبتنی بر منافع مشترک اقتصادی و امنیتی» صورت گیرد. تجربه نشان داده که حتی در شرایط خصومت شدید نیز امکان پیش‌برد توافق (Track II Diplomacy) مسیر «دیپلماسی مسیردوم» وجود دارد، به‌ویژه زمانی که فضای عمومی پر از بی‌اعتمادی است.

در این حوزه پیشنهاد می‌شود یک «هسته تعامل ویژه دیپلماتیک» با ترکیبی از دیپلمات‌های ارشد سابق، مشاوران امنیتی، اتاقهای بازرگانی، واسطه‌های منطقه‌ای، یا حتی برخی نخبگان ایرانی-آمریکایی تشکیل شود که به‌صورت نیمه‌رسمی مسیرهای گفتگو با واشنگتن را احیا کنند. هم‌زمان، وزارت امور خارجه با هماهنگی نهادهای امنیتی، رایزنی مستقیم و غیررسانه‌ای با تروئیکای اروپایی را با محوریت توقف یا تعلیق روند ماشه‌پیگیری کند و نقش کشورهای بی‌طرف یا همکار مانند عمان، قطر یا سوئیس را در تسهیل مذاکرات فعال‌تر سازد. هدف این اقدامات، ایجاد فضای تنفس سیاسی و تمدید ضرب‌الاجل‌هاست تا زمینه برای توافقات جدید یا تعدیل فشار فراهم شود، بدون آن‌که موضع راهبردی ایران در حوزه هسته‌ای به طور یک‌جانبه تضعیف گردد.

ز- ۲. ایجاد مرکز پایش و راهبری تجارت خارجی

با توجه به احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، نیاز به یک نهاد تخصصی برای پایش مستمر بازار، ارائه تحلیل‌های تخصصی و پشتیبانی از تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و اجرایی، به‌شدت احساس می‌شود. تحریم‌های احتمالی جدید، به‌ویژه در حوزه‌های مالی، انرژی، کشتیرانی و لجستیک، می‌توانند زنجیره تأمین و صادرات و واردات کشور را مختل کند و بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی خصوصاً بنگاه‌های کوچک و متوسط اثرگذار باشد.

ازجمله مهمترین اهداف مرکز می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. رصد مستمر بازارهای داخلی و تجارت خارجی.
 ۲. تحلیل روندهای بین‌المللی و سناریوهای محتمل در صورت فعال‌سازی مکانیسم ماشه.
 ۳. ارائه هشدارهای پیش‌دستانه به مدیران استانی و ملی.
 ۴. تدوین بسته‌های پیشنهادی برای پایداری اقتصادی بنگاه‌های کوچک و متوسط.
 ۵. تسهیل هماهنگی میان دستگاه‌های دولتی، نهادهای امنیتی و بخش خصوصی در مواجهه با شرایط تحریمی.
- اعضای پیشنهادی شورا (در سطح استانی) عبارتند از: نمایندگان معاونت اقتصادی استانداری، وزارت امور خارجه، اداره کل صمت، گمرک، دادستانی، دستگاه‌های امنیتی و نظارتی، اتاقهای بازرگانی و اصناف استان.

ز- ۳. تسهیل ورود ارز

در شرایط تشدید تحریم‌ها و احتمال فعال‌سازی «مکانیسم ماشه»، دسترسی بنگاه‌های صادرات محور به ارز حاصل از صادرات به‌شدت دشوار می‌شود. بنگاه‌های کوچک و متوسط و صنایع آسیب‌پذیر مانند فولاد، صنایع فلزی، نفت و گاز و پتروشیمی، به دلیل محدودیت‌های بانکی و ریسک‌پذیری بالای بازار، با



عدم قطعیت در بازگشت ارز صادراتی مواجه هستند. خوشبختانه بانک مرکزی طی سالهای اخیر با راه اندازی مرکز مبادله و اتخاذ راهکارهای مختلف، گامهای موثری در این مسیر برداشته است. لیکن باتوجه به احتمال بروز اختلال شدید در جریان بازگشت ارز صادراتی، تسهیل ورود ارز، نه تنها یک نیاز اقتصادی بلکه یک اولویت امنیت اقتصادی ملی است. ابزارهای متنوع مانند تهاتر، همکاری با کشورهای ثالث، ارز دیجیتال و دیگر سازوکارهای تسهیل گر باید به صورت همزمان و هماهنگ در قالب یک «برنامه اضطراری ارزی» به اجرا درآید. لذا پیشنهاد می گردد با بازنگری دستورالعملهای قبلی، امکان تسهیل و تسریع برگشت ارز اشخاص بویژه بنگاههای کوچک و متوسط و صنایع آسیب پذیر، فراهم گردد.

ز- ۴. تسهیل ترخیص کالا

در صورت فعال سازی مکانیسم ماشه، کندی در زنجیره تأمین و افزایش فشار بر واردات می تواند موجب انباشت کالا در گمرکات شود. این امر به ویژه در مورد کالاهای اساسی، مواد اولیه تولید، ماشین آلات و تجهیزات صنعتی که نقش حیاتی در حفظ تولید و ثبات بازار دارند، بسیار حائز اهمیت است چراکه رسوب این اقلام می تواند منجر به اختلال در تولید، افزایش قیمتها، کاهش اشتغال و نارضایتی عمومی شود. لذا تسهیل ترخیص فوری این اقلام تحت نظارت دقیق مراجع امنیتی و نظارتی، یک اقدام راهبردی برای حفظ پایداری اقتصادی است.

در اجرای این امر پیشنهادهای ذیل ارائه می گردد:

۱. **ایجاد سامانه لحظه ای رصد کالاهای رسوبی:** متأسفانه یکی از بزرگترین مشکلات کشور در این حوزه، عدم دسترسی به اطلاعات صحیح و به روز در خصوص کالاهای رسوبی در گمرکات کشور است. لذا پیشنهاد می گردد در اولین فرصت، یک داشبورد ملی با

اتصال به سامانه گمرک، بانک مرکزی و وزارت صمت ایجاد و به طور مرتب و نوبه ای، حجم، نوع و موقعیت کالاهای رسوب کرده را پایش و فرآیند ترخیص را بطور هوشمند، پیگیری نماید.

۲. اولویت بندی کالاها بر اساس شاخص «ضرورت تولید»:

تهیه یک فهرست رسمی از کالاهای مشمول تسهیل ترخیص با تمرکز بر کالاهای اساسی، مواد اولیه صنایع مادر و تجهیزات جایگزین ناپذیر خطوط تولید.

۳. اجرای طرح ترخیص مشروط: ارائه مجوز به

تولیدکنندگان و واردکنندگان مجاز و شناخته شده جهت ترخیص کالای خود به صورت مشروط در قبال تعهد بازپرداخت ارزی با ارائه اسناد مثبته و تضامین کافی.

۴. نظارت و پیگیری: نظارت مستمر و لحظه ای بر

فرآیند فوق توسط مرکز پایش و راهبری تجارت خارجی و با همکاری تشکلهای اقتصادی از جمله اتاقهای بازرگانی، اصناف و تعاون تحت نظارت دقیق مراجع امنیتی و نظارتی.

ز- ۵. مدیریت واردات

در شرایط افزایش فشارهای بین المللی و احتمال فعال سازی مکانیسم ماشه، مدیریت هدفمند واردات به ضرورتی راهبردی برای حفظ تولید ملی و کاهش فشار ارزی تبدیل شده است. در این راستا، پیشنهاد می شود اولویت تخصیص ارز به سه سطح اصلی تقسیم شود: واردات کالاهای اساسی و دارو، مواد اولیه و ماشین آلات صنعتی غیرقابل تولید در داخل و در نهایت، ممنوعیت یا محدود سازی شدید واردات کالاهای مصرفی و لوکس. همچنین، شفاف سازی روند تخصیص ارز از طریق سامانه های عمومی و گزارش دهی هفتگی، اعمال عوارض تصاعدی یا ممنوعیت بر اقلام غیر ضروری و تسهیل واردات ماشین آلات صنعتی دست دوم با نظارت فنی از دیگر اقدامات پیشنهادی است.

در سطح اجرایی، تشکیل کارگروه های استانی



ز- ۷. توسعه تجارت منطقه‌ای

در شرایط فشارهای بین‌المللی و تهدید فعال‌سازی مکانیسم ماشه، یک راهبرد ضروری برای حفظ تداوم صادرات، تأمین مواد اولیه و کاهش ریسک‌های مرتبط با تجارت فرامرزی است. کشورهای منطقه به دلیل همسایگی جغرافیایی، اشتراکات فرهنگی، هزینه‌های کمتر حمل‌ونقل و نزدیکی در زنجیره تأمین، می‌توانند جایگزین‌های عملی و استراتژیک برای بازارهای پیریسک فرامنطقه‌ای باشند. همچنین، بازارهای منطقه‌ای معمولاً حساسیت کمتری نسبت به سازوکارهای تحریمی دارند و در شرایط بحران، انعطاف‌پذیری بالاتری از خود نشان می‌دهند.

برای تقویت تجارت منطقه‌ای پیشنهاد می‌شود اقدامات زیر در دستور کار قرار گیرد:

۱. انعقاد توافق‌نامه‌های ترجیحی و تهاتری با کشورهای همسایه با تمرکز بر کالاهای صادراتی مزیت‌دار استان و کشور.

۲. ایجاد مراکز تجاری مشترک در کشورهای منطقه با همکاری اتاق‌های بازرگانی و سازمان توسعه تجارت، برای معرفی فرصت‌های صادراتی و مدیریت واردات هدفمند.

اجرای این سیاست می‌تواند وابستگی ایران به بازارهای حساس و پیریسک را کاهش داده، مسیر تأمین ارز را متنوع کند و در عین حال، تاب‌آوری اقتصادی و امنیت زنجیره تأمین را در برابر تحولات ژئوپلیتیک افزایش دهد. اتاق‌های بازرگانی استانی بویژه اتاق‌های مرزی، می‌توانند نقش فعالی در این جهت‌گیری ایفا کرده و زمینه هماهنگی میان تولیدکنندگان و فرصت‌های منطقه‌ای را فراهم کنند.

ز- ۸. توسعه صندوق‌های حمایتی

توسعه صندوق‌های حمایتی یکی از ابزارهای راهبردی برای حفظ تاب‌آوری بنگاه‌های کوچک و متوسط در برابر شوک‌های ناشی از تحریم‌ها،

مدیریت واردات با محوریت اتاق‌های بازرگانی و سازمان صمت، می‌تواند به تهیه لیست نیازهای واقعی واحدهای تولیدی و بهینه‌سازی تخصیص ارز کمک کند. علاوه بر این، همکاری با کشورهای همسایه برای تأمین سریع و کم‌هزینه کالاهای ضروری از مسیرهای مطمئن، به‌ویژه در حوزه مواد اولیه و تجهیزات، موجب کاهش هزینه‌های لجستیکی و تسریع فرآیند تأمین خواهد شد. این اقدامات باید با هماهنگی دولت، بانک مرکزی و بخش خصوصی اجرا شود تا تاب‌آوری اقتصادی کشور در برابر بحران‌های تحریمی تقویت گردد.

ز- ۶. توسعه تهاتر

در شرایط تحریمی و محدودیت دسترسی به ارزهای بین‌المللی، توسعه تهاتر به‌عنوان یک ابزار راهبردی برای حفظ جریان تجارت خارجی کشور مطرح می‌شود. تهاتر، با حذف نیاز به مبادلات بانکی مستقیم، امکان تبادل کالا با کالا یا خدمات را فراهم کرده و به صنایع حیاتی مانند فولاد، پتروشیمی، کشاورزی و دارو کمک می‌کند تا در برابر فشارهای ارزی و بانکی تاب‌آور باقی بمانند. این روش به‌ویژه برای بنگاه‌های کوچک و متوسط و صنایعی که واردات مواد اولیه یا تجهیزات تخصصی دارند، راهکاری عملی و قابل اتکا است.

برای اجرای مؤثر تهاتر، پیشنهاد می‌شود یک پلتفرم ملی با مشارکت دولت، اتاق‌های بازرگانی و بانک مرکزی ایجاد شود تا نیازهای صادراتی و وارداتی به‌صورت شفاف و هدفمند تطبیق داده شوند. همچنین، انعقاد توافقات تهاتری دوجانبه با کشورهای همسو (مانند روسیه، چین، هند و برخی کشورهای منطقه) و به‌کارگیری واسطه‌های تخصصی تهاتری می‌تواند سازوکار اجرایی این فرآیند را تسهیل کند. ایجاد کارگروه‌های استانی تهاتر نیز با هدف هم‌راستاسازی ظرفیت‌های صادراتی و نیازهای وارداتی، می‌تواند به حفظ تولید، اشتغال و پایداری زنجیره تأمین کمک مؤثری کند.



پیشنهاد اجرایی شامل طراحی بسته‌های مالی حمایتی ویژه برای تولیدکنندگان محصولات اولویت دار و صنایع آسیب‌پذیر است که با همکاری وزارت اقتصاد، بانک مرکزی، سازمان امور مالیاتی و صندوق توسعه ملی اجرا شود. این بسته‌ها می‌توانند شامل خطوط اعتباری مشخص برای واردات مواد اولیه، ضمانت‌نامه‌های صادراتی، تسهیلات بانکی ویژه مناطق صنعتی و مشوق‌های مالیاتی برای حفظ اشتغال باشند.

ز- ۱۰. توسعه صنعت بیمه

توسعه صنعت بیمه به‌ویژه در شرایط تحریم و تهدید مکانیسم ماشه، نقش کلیدی در کاهش ریسک‌های تجاری، حفظ اعتماد شرکای خارجی و پایداری زنجیره تأمین دارد. در حال حاضر بسیاری از فعالان اقتصادی و بازرگانان به‌دلیل تحریم‌های بانکی و بیمه‌ای، دسترسی بسیار محدودی به خدمات بیمه بین‌المللی دارند که این مسأله موجب افزایش هزینه‌ها و اختلال در واردات کالاهای استراتژیک می‌شود. در چنین شرایطی، تقویت صنعت بیمه داخلی با تمرکز بر بیمه‌های اعتباری، حمل‌ونقل و ایجاد ابزارهای پوشش ریسک تجاری با مشارکت فعال بخش خصوصی، بانک‌ها و نهادهای بیمه‌گر هم‌سو (در کشورهای منطقه یا شرکای فرامنطقه‌ای) یک ضرورت راهبردی است.

پیشنهاد اجرایی شامل تقویت بیمه‌گرهای داخلی با مشارکت دولت، بانک‌ها، تشکل‌های اقتصادی و شرکت‌های بیمه منطقه‌ای است که وظیفه آن تضمین ریسک تجاری، به‌ویژه برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در شرایط بحران باشد. بدین ترتیب می‌توان با ارائه بیمه‌نامه‌های خاص برای معاملات در کشورهای دارای ریسک بالا، پوشش‌های جایگزین بیمه‌های غربی را ارائه داد. همچنین توسعه همکاری با شرکت‌های بیمه‌ای کشورهای

افزایش هزینه‌های لجستیکی، نوسانات ارزی و اختلال در زنجیره تأمین است. این بنگاه‌ها که نقش حیاتی در تولید، اشتغال و صادرات دارند، در شرایط بحرانی اغلب دسترسی محدودی به منابع مالی دارند و در معرض آسیب‌پذیری شدید قرار می‌گیرند. ایجاد صندوق‌هایی با هدف تأمین سرمایه در گردش، کمک به هزینه‌های حمل‌ونقل و ارائه ضمانت‌نامه‌های مالی می‌تواند از تعطیلی یا کاهش ظرفیت این واحدها جلوگیری کند.

برای اجرای این راهکار پیشنهاد می‌شود صندوق‌های استانی یا ملی با همکاری دولت، اتاق‌های بازرگانی و بخش خصوصی راه‌اندازی شوند و در حوزه‌هایی مانند حمایت از صادرات، تهاتر منطقه‌ای و تأمین مواد اولیه وارداتی متمرکز باشند. منابع این صندوق‌ها می‌تواند از طریق ترکیب سرمایه عمومی و خصوصی، یا بهره‌گیری هدفمند از منابع صندوق توسعه ملی تأمین شود. چنین ساختاری ضمن کاهش فشارهای مالی آنی، اعتماد بخش خصوصی را به سیاست‌های حمایتی افزایش داده و مسیر پایداری تولید و تجارت را در دوره‌های بحرانی هموار می‌سازد.

ز- ۹. حمایت مالی از بنگاه‌های آسیب‌پذیر

حمایت مالی از تولیدکنندگان به‌ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط در حوزه محصولات استراتژیک، در شرایط تحریمی و بحران‌های ژئوپلیتیکی ضرورت اساسی دارد. این بنگاه‌ها با محدودیت در دسترسی به منابع مالی، افزایش هزینه‌های تولید و کاهش نقدینگی مواجه‌اند و در صورت نبود حمایت‌های مالی مؤثر، ریسک تعطیلی یا کاهش ظرفیت تولید آنها بالا می‌رود. تخصیص هدفمند تسهیلات بانکی، اعطای وام کم‌بهره یا یارانه‌دار، تعویق یا تقسیط مالیات و بدهی‌های تأمین اجتماعی، می‌تواند فضای تنفس مالی لازم برای عبور از شرایط اضطراری را فراهم کند.



اساتید دانشگاه، فعالان اقتصادی خوشنام یا چهره‌های رسانه‌ای حرفه‌ای در تریبون‌های رسمی نیز موجب انتقال پیام‌های مطمئن و تقویت حس امنیت اقتصادی خواهد شد.

ز- ۱۲. توسعه تجارت دیجیتال

در شرایط تحریمی که محدودیت‌های مختلف، تجارت فیزیکی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است، توسعه تجارت دیجیتال می‌تواند امکان دسترسی به بازارهای جدید و حذف موانع سنتی صادرات را فراهم سازد. استفاده از بسترهای دیجیتال برای بازاریابی، معرفی محصولات، برقراری ارتباط مستقیم با خریداران و حتی انعقاد قراردادهای تجاری، می‌تواند نقش مهمی در حفظ جریان صادرات، به‌ویژه برای بنگاه‌های کوچک و متوسط ایفا کند. همچنین حضور در پلتفرم‌های بین‌المللی مانند Alibaba، Made-in-China، و توسعه پلتفرم‌های داخلی با تمرکز بر صادرات منطقه‌ای، به کاهش وابستگی به حمل‌ونقل سنتی و کانال‌های آسیب‌پذیر کمک می‌کند.

پیشنهاد می‌شود یک «برنامه ملی توانمندسازی تجارت دیجیتال» با همکاری وزارت صمت، وزارت ارتباطات، اتاق‌های بازرگانی و شرکت‌های دانش بنیان طراحی و اجرا شود. در این برنامه، اقداماتی چون آموزش فشرده صادرات دیجیتال به تولیدکنندگان و صادرکنندگان، ارائه مشوق‌های مالی برای حضور در بازارهای برخط (Online) بین‌المللی، ایجاد درگاه‌های دیجیتال رسمی با قابلیت تسویه امن و تسهیل همکاری بین پلتفرم‌های داخلی و بین‌المللی در دستور کار قرار گیرد. همچنین، ایجاد یک مرکز «بازاریابی دیجیتال صادراتی» با تمرکز بر محصولات مزیت‌دار می‌تواند به ارتقای رقابت‌پذیری صادرات ایران در شرایط بحران کمک کند و ظرفیت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به‌صورت هدفمند فعال نماید.

همسو برای طراحی بیمه‌های مشترک، امکان‌پذیرسازی تجارت در شرایط تحریم را افزایش می‌دهد. ایجاد پنجره واحد بیمه‌ای در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی برای ارائه خدمات سریع و هماهنگ نیز می‌تواند اثربخشی این راهکار را افزایش دهد.

ز- ۱۱. مدیریت انتظارات روانی

مدیریت انتظارات روانی در شرایط بحران اقتصادی و تهدید تحریم‌های بین‌المللی (از جمله احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه)، یکی از مؤثرترین ابزارهای کنترل ثبات بازار و پیشگیری از رفتارهای هیجانی اقتصادی نظیر هجوم به بازار ارز، طلا یا احتکار کالاهای اساسی است. در چنین شرایطی، شفاف‌سازی دقیق، به‌موقع و هدفمند از سوی نهادهای رسمی از جمله دولت، بانک مرکزی، وزارت صمت و اتاق‌های بازرگانی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در ایجاد آرامش روانی در بازار و حفظ اعتماد عمومی ایفا می‌کند. همچنین اطلاع‌رسانی علمی به نخبگان، فعالان اقتصادی، اصحاب رسانه و بدنه کارشناسی کشور می‌تواند از تولید و انتشار شایعات و تحلیل‌های غیرمستند جلوگیری کند و زمینه گفت‌وگوهای منطقی و اعتمادساز را در جامعه فراهم نماید.

پیشنهاد اجرایی، ایجاد یک «ستاد اطلاع‌رسانی اقتصادی و تجاری» با عضویت نمایندگان دولت، اتاق‌های بازرگانی و اصناف، رسانه‌های رسمی و مراکز علمی است که به‌صورت هفتگی گزارش‌های مستند و قابل فهم از وضعیت تجارت خارجی، بازار ارز، اقدامات حمایتی و روند مذاکرات بین‌المللی را منتشر کند. همچنین طراحی کمپین‌های رسانه‌ای هدفمند برای آگاه‌سازی عمومی درباره واقعیات بازار، پرهیز از رفتارهای هیجانی و برجسته‌سازی تدابیر حمایتی دولت می‌تواند از تشدید فضای روانی منفی و سفته‌بازی جلوگیری کند. استفاده از ظرفیت افراد مورد اعتماد افکار عمومی ازجمله



ز- ۱۳. توسعه صادرات خدمات

در دوران تحریم و محدودیت‌های ناشی از مکانیسم ماشه، صادرات خدمات می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای حیاتی برای درآمدزایی ارزی، حفظ ارتباطات بین‌المللی و کاهش وابستگی به تجارت کالا نقش‌آفرینی کند. بخش خدمات، به‌ویژه خدمات فنی و مهندسی، گردشگری، خدمات نرم‌افزاری، آموزش مجازی، مشاوره‌های تخصصی و طراحی صنعتی، از مزیت‌های نسبی بالایی در ایران برخوردار است و می‌تواند با هزینه کمتر و ریسک پایین‌تر نسبت به صادرات کالا، بازارهای جدیدی را به روی فعالان اقتصادی بگشاید.

پیشنهاد می‌شود یک «برنامه جامع توسعه صادرات خدمات» با همکاری سازمان توسعه تجارت، وزارت علوم، وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و تشکلهای تخصصی ذیربط تدوین شود. در این برنامه اقداماتی مانند ایجاد پایگاه اطلاعاتی خدمات صادراتی، حمایت مالی و بیمه‌ای از شرکت‌های خدماتی صادرات‌محور، تسهیل اعزام نیروی متخصص به کشورهای هدف، امضای تفاهم‌نامه‌های متقابل برای شناسایی خدمات ایرانی در کشورهای منطقه و اعطای معافیت‌های مالیاتی هدفمند برای شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌های خدمات‌محور پیش‌بینی شود. همچنین ایجاد «دفاتر توسعه صادرات خدمات» در کشورهای هم‌سو یا بازارهای منطقه‌ای می‌تواند بستر عملیاتی‌سازی این راهبرد را فراهم کند.

ز- ۱۴. توسعه لجستیک جایگزین

در شرایطی که احتمال بازگشت تحریم‌های شورای امنیت ذیل مکانیسم ماشه وجود دارد، یکی از نقاط آسیب‌پذیر حیاتی برای اقتصاد ایران، حوزه لجستیک و حمل‌ونقل بین‌المللی است. وابستگی شدید به مسیرهای دریایی تحت کنترل غرب یا مسیرهای پرترافیک و پرهزینه، می‌تواند منجر به

اختلال جدی در زنجیره تأمین، افزایش هزینه‌های واردات و صادرات، و کاهش رقابت‌پذیری محصولات ایرانی شود. توسعه لجستیک جایگزین شامل مسیرهای ریلی منطقه‌ای، استفاده از بنادر کوچک‌تر با حساسیت کمتر نسبت به تحریم‌ها، و فعال‌سازی کوریدورهای نوظهور می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد حیاتی در افزایش تاب‌آوری تجاری ایران عمل کند.

برای تحقق این هدف، پیشنهاد می‌شود مجموعه‌ای از اقدامات در سه محور به شرح ذیل دنبال شود:

۱. توسعه زیرساخت داخلی با سرمایه‌گذاری در مسیرهای ریلی استراتژیک.

۲. توسعه همکاری‌های منطقه‌ای از طریق انعقاد تفاهم‌نامه‌های لجستیکی با کشورهای همسایه از جمله ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان، ترکیه، عراق و پاکستان برای ایجاد مسیرهای ترانزیتی مشترک.

۳. استفاده هدفمند از بنادر کوچک و کم‌ریسک (مانند بنادر جاسک، چابهار، امیرآباد و بندر آستارا) جهت کاهش تمرکز بر بنادر اصلی و پرریسک (مثل بندرعباس و بوشهر). همچنین می‌توان از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای مانند اکو (ECO) برای ایجاد ائتلاف‌های حمل‌ونقلی با هدف بی‌اثرکردن محدودیت‌های ناشی از تحریم بهره گرفت. اجرای این اقدامات نیازمند هماهنگی نزدیک میان وزارت راه، گمرک، وزارت خارجه و بخش خصوصی خواهد بود.

ز- ۱۵. تقویت تولید داخلی

در شرایط تشدید تحریم‌ها و احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه، وابستگی به واردات کالاهای استراتژیک و مواد اولیه می‌تواند اقتصاد ملی، به‌ویژه تولیدکنندگان کوچک و متوسط را به شدت آسیب‌پذیر کند. راهبرد تقویت تولید داخلی به‌ویژه در حوزه‌هایی که وابستگی بالایی به واردات دارند مانند مواد پایه پتروشیمی، فلزات خاص، تجهیزات صنعتی و محصولات فناوری، باعث حفظ چرخه تولید در بحران می‌شود و هم‌زمان زمینه‌ساز خودکفایی و ارتقای امنیت اقتصادی خواهد بود.



تمرکز بر استفاده از تجربه تکنسین‌های بازنشسته با هدف تسهیل اتصال میان صنایع و نیروهای متخصص، به‌ویژه در استان‌های صنعتی (مانند اصفهان).

۳. تخصیص یارانه آموزشی و مشاوره‌ای به بنگاه‌های کوچک و متوسط برای استفاده از خدمات مربیان، مشاوران کسب‌وکار و متخصصان بازاریابی صادراتی.

۴. همکاری با کشورهای منطقه (مثل ترکیه، قطر، عمان یا هند) در برنامه‌های تبادل متخصص و اعزام کارآموزان و مدیران به پروژه‌های مشترک با هدف انتقال تجربیات.

ز- ۱۷. مدیریت قراردادی

در فضای پرریسک ناشی از تحریم‌ها یا فعال‌سازی احتمالی مکانیسم ماشه، مدیریت دقیق و حرفه‌ای قراردادهای صادراتی و وارداتی به یک ضرورت راهبردی بدل می‌شود، به‌ویژه برای بنگاه‌های کوچک و متوسط که عموماً فاقد تیم‌های حقوقی متخصص هستند. در چنین شرایطی قراردادهای ضعیف، فاقد شروط حفاظتی مانند بندهای فورس مازور، بندهای حل‌وفصل اختلاف در نهادهای بی‌طرف، یا عدم‌پیش‌بینی تغییرات در نرخ ارز و زمان بندی تحویل، می‌تواند منجر به زیان‌های سنگین مالی یا حتی پیگردهای بین‌المللی شود. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که محدودیت‌های بانکی و لجستیکی نیز به‌صورت غیرمنتظره تشدید شود و امکان اجرای تعهدات قراردادی را مختل کند.

در این حوزه موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. ایجاد مرکز مشاوره حقوقی-قراردادی با محوریت اتاق‌های بازرگانی و تشکلهای تخصصی با همکاری کانون وکلای دادگستری با هدف بازنگری قراردادهای جاری و طراحی نسخه‌های استاندارد و مقاوم در برابر ریسک‌های تحریمی.

۲. تدوین دستورالعمل‌های کاربردی قراردادی شامل راهنماهای عملیاتی به زبان ساده و با تمرکز

تقویت زنجیره‌های تأمین داخلی و فعال‌سازی ظرفیت‌های مغفول صنعتی در استان‌های مستعد (مانند اصفهان) از جمله الزامات این راهبرد است.

برای اجرایی‌سازی این هدف، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. اعطای مشوق‌های مالیاتی و تسهیلات کم‌بهره به تولیدکنندگان مواد اولیه و کالاهای استراتژیک.

۲. سرمایه‌گذاری هدفمند دولتی یا ترکیبی (دولتی-خصوصی) در واحدهای بالادستی که امکان جایگزینی واردات را دارند، با تمرکز بر بومی‌سازی فناوری.

۳. ایجاد زنجیره‌های تولید منطقه‌ای از طریق خوشه‌سازی صنایع داخلی برای تکمیل فرآیند تولید و کاهش وابستگی به تأمین‌کنندگان خارجی.

ز- ۱۶. توسعه منابع انسانی

در دوران تحریم و محدودیت‌های ناشی از فعال‌سازی احتمالی مکانیسم ماشه، بهره‌وری و رقابت‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی به‌ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط بیش از هر چیز وابسته به توانمندی منابع انسانی و به‌ویژه مدیران عملیاتی و استراتژیک خواهد بود. ضعف در دانش روز مدیریتی، بازاریابی بین‌المللی، تحلیل داده و مدیریت بحران، یکی از عوامل مهم کاهش تاب‌آوری اقتصادی بنگاه‌ها در شرایط بحران است. لذا توسعه منابع انسانی، نه‌تنها یک سرمایه‌گذاری بلندمدت، که ضرورتی فوری برای افزایش بهره‌وری، انعطاف‌پذیری، و امکان واکنش مؤثر به تحولات محیطی است.

برای تحقق این هدف موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی تخصصی کوتاه‌مدت و فشرده برای مدیران واحدهای تولیدی، صادراتی و حمل و نقل با تمرکز بر مهارت‌های بازاریابی بین‌المللی، مدیریت در شرایط بحران و صادرات دیجیتال. این آموزش‌ها می‌تواند از طریق اتاق‌های بازرگانی، تشکلهای تخصصی، مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای و همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی اجرا شود.

۲. ایجاد «بانک اطلاعاتی منابع انسانی ماهر» با تمرکز بر استفاده از تجربه تکنسین‌های بازنشسته



بر شرایط ویژه ایران در قالب «بسته قراردادهای تحریمی» جهت رعایت اصول کلیدی در قراردادها از جمله گنجاندن بندهای تعلیق، تغییر قانون، فورس ماژور، و شرط حل اختلاف در داوری‌های منطقه‌ای امن.^۳ برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت برای مدیران صادرات و تأمین، به‌منظور افزایش آگاهی از ریسک‌های حقوقی و راهکارهای پیشگیرانه، در قالب کارگاه‌های حضوری و آنلاین. این اقدامات می‌توانند ضمن کاهش ریسک حقوقی، به ارتقای اعتبار بین‌المللی بنگاه‌های ایرانی در تعامل با شرکای خارجی کمک کنند.

خلاصه

در صورت فعال‌سازی ماشه که احتمالاً منجر به بازگشت کامل تحریم‌های شورای امنیت (و حتی اتحادیه اروپا) می‌شود، بهره‌گیری از راهکارهای زیر می‌تواند از شدت آسیب‌ها کاسته و تاب‌آور اقتصادی را افزایش دهد:

۱. بهره‌گیری از «دیپلماسی مسیر دوم»: ایجاد یک هسته تعامل نیمه‌رسمی با مشارکت دیپلمات‌ها و واسطه‌های منطقه‌ای به‌منظور تمدید ضرب‌الاجل و کاهش تنش‌ها، همزمان با احیای مسیر گفت‌وگو با آمریکا و تروئیکای اروپایی از طریق دیپلماسی رسمی و مسیر دوم.
۲. ایجاد مرکز پایش و راهبری تجارت خارجی: ایجاد شورایی با هدف ارائه هشدارهای پیش‌دستانه، تدوین راهکارهای حمایتی و تسهیل هماهنگی میان نهادهای دولتی و بخش خصوصی، به‌منظور تقویت تاب‌آوری اقتصادی استان.
۳. تسهیل ورود ارز: هماهنگی با نهادهای ذیربط جهت تسهیل ورود ارز صادرکنندگان بویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط و صنایع آسیب‌پذیر از تحریم‌ها از جمله فولاد، صنایع فلزی، نفت و گاز و صنایع پتروشیمی.
۴. تسهیل ترخیص کالا: تسهیل و ترخیص کالاهای رسوب کرده در گمرکات کشور بویژه کالاهای اساسی، مواد اولیه، ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی.
۵. مدیریت واردات: تخصیص منابع ارزی موجود به

واردات مواد اولیه، ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی با تمرکز بر کالاهای اساسی و محدودسازی بیش‌ازپیش واردات کالاهای مصرفی بویژه کالاهای لوکس.

۶. توسعه تهاتر: توسعه تجارت تهاتری بویژه با کشورهای منطقه و «هم‌سو» برای جبران محدودیت‌های بانکی و حفظ زنجیره تأمین.
۷. توسعه تجارت منطقه‌ای: تقویت روابط تجاری با کشورهای منطقه جهت افزایش صادرات و مدیریت واردات باهدف کاهش وابستگی به بازارهای فرامنطقه‌ای و مدیریت لجستیک.
۸. توسعه صندوق‌های حمایتی: ایجاد و توسعه صندوق‌های مالی حمایتی باهدف حمایت از فعالین اقتصادی بویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط در برابر هزینه‌های لجستیک، سرمایه در گردش و ...
۹. حمایت مالی از بنگاه‌های آسیب‌پذیر: تخصیص تسهیلات مالی، بانکی و مالیاتی به تولیدکنندگان بویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط در حوزه محصولات استراتژیک.
۱۰. توسعه صنعت بیمه: تقویت صنعت بیمه با مشارکت بخش خصوصی و بانک‌ها بویژه در حوزه بیمه بین‌المللی تجاری با همکاری و مشارکت کشورهای تأمین‌کننده و «هم‌سو».
۱۱. مدیریت انتظارات روانی: اطلاع‌رسانی شفاف در رسانه‌ها، جوامع خبرگانی، و تریبون‌های عمومی برای کاهش سفته‌بازی و حفظ اعتماد عمومی.
۱۲. توسعه تجارت دیجیتال: سرمایه‌گذاری در پلتفرم‌های دیجیتال داخلی و بین‌المللی برای بازاریابی محصولات تولیدی و صادراتی باهدف کاهش محدودیت‌های لجستیکی و توسعه بازارهای جدید.
۱۳. توسعه صادرات خدمات: سرمایه‌گذاری و تسهیل صادرات خدمات بویژه تورهای گردشگری ورودی بین‌المللی.
۱۴. توسعه لجستیک جایگزین: توسعه مسیرهای ریلی و بنادر کوچک با هماهنگی و مشارکت کشورهای منطقه برای کاهش وابستگی به مسیرهای تحریمی و افزایش تاب‌آوری زنجیره تأمین.

۱۵. تقویت تولید داخلی: حمایت از تولید داخلی بویژه در مواد اولیه و کالاهای استراتژیک جهت کاهش وابستگی به واردات و آسیب‌پذیری در برابر تحریم‌ها.

۱۶. توسعه منابع انسانی: تقویت مدیران و منابع انسانی ماهر جهت افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری در حوزه مدیریت و بازاریابی.

۱۷. مدیریت قراردادی: ارائه راهکارهای حقوقی و مدیریتی جهت مدیریت قراردادهای صادراتی و وارداتی بویژه شرکت‌های کوچک و متوسط.
